

نشریه تولیدات شبکه اجتماعی افسران

www.afsaran.ir

سال دوم - شماره پانزدهم

چهارشنبه ۳۰ بهمن ۱۳۹۲



دیپلماسی ویلچر و سبد کالا
اینچنین بود ماجرای نرمش قهرمانانه
قناعت کن ای نفس بر اندکی
سیبیلو و مرگ بر آمریکا
مصاحبه با ۳miladps



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

روزگار دست که بی تو،

غوغای عشقی در سر و شوقِ رهایی، در دل هان نیست...

و من، تنهایِ تنها، در آسمانِ اندیشه،

به امیدِ شورِ نگاهِ بی کرانه ات، فقط زنده ام...

دلخوشم به رویای، آبی و آرام...

و ماهِ روی تمام...

دلخوشانه سر بر می کشم به آسمان،

می خرامم بر بام هستی

و دلرهایم کنم، میانِ ستارگان...

در پی ات ستاره می شوم...

بی نشان ترین ستاره ی دنباله دار...

می درخشم و چراغ می شوم، در اوج آسمان...

دست می دهم به دست های کوچکِ ستارگان...

می کشم خودم را، تادلِ سیاهی بی کرانه ها..

من ستاره می شوم، روشن و شگفت...

من ستاره می شوم، برای التیام درد آسمان!

می درخشم و در سیاهی راه می پویم تا نور...

و باز آبی بی کرانگی...

صبح می شود و زندگی چنان رخ در آسمان می نماید

که بر سقف دل، جز خورشید رویای حضور تو نمی تابد...

آن روز نزدیک است...





فهرست

۴سرمقاله
۵کلام امام
۶دیپلماسی ویلچر و سبد کالا
۷بیست و دوم بهمن
۸فرزند انقلاب/ فرزند انقلابی
۹پیام ضعف در ۳۵مین سالگرد انقلاب اسلامی
۱۰پوسـتر
۱۲و اینچنین بود ماجرای نرمش قهرمانانه
۱۴پیام نما: هسته ای بهانه است
۱۵وقتی سیبیلو خواست مرگ بر آمریکا بگه
۱۶کار کوچک، تاثیر زیاد
۱۷جریان شناسی رسانه های فارسی زبان (۵)
۱۹پویانمایی و کلیپ های تصویری
۲۰تاریخت رو قورت بده (میراث دیکتاتور)
۲۲تصاویر جنایت حلبچه
۲۴اربعین خون
۲۵تصاویر فاجعه ۲۹ بهمن تبریز
۲۶سید جمال الدین اسدآبادی
۲۷برگی از بهشت
۲۸وصیت نامه یک شهید
۲۹کلیپ های صوتی
۳۰قناعت کن ای نفس بر اندکی
۳۱کنکور زنبیل کالا
۳۲صفحه ویژه تولیدات طنز
۳۴فینگیلی و سبد کالا
۳۵اخبار افسران
۳۷داستانک
۳۸مصاحبه با کاربران
۴۲روز مهندس
۴۳کودکان قرن جدید
۴۴دلنوشته
۴۵اسامی همکاران این شماره



سرمقاله

هنگامیکه خداوند انسان را آفرید فرشتگان را فرمان داد او را سجده کنند. همه سجده کردند غیر از شیطان.

«وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَىٰ وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ»

سرچشمه کفر ابلیس و انحراف او از مسیر توحید و حتی اعتراض او بر حکمت پروردگار چیزی جز کبر نبود. از امام صادق علیه السلام در باره پست ترین و پایین ترین درجه الحاد سوال شد، فرمودند: «إِنَّ الْكِبْرَ أَذْنَاءُ» همانا کبر پایین ترین درجه اوست

امام خمینی رحمت الله علیه در کتاب چهل حدیث درباره کبر چنین می نویسد: وقتی انسان کمالی برای خود متوهم شد حالت بزرگی فروشی و خودبینی در او و قلب او ایجاد می شود که در ظاهر و باطن او به صورت تکبر نمایان میشود.

و اینک آخرالزمان ...

هرکدام از ما در درون خود شیطان کوچکی با همین اوصاف دارد که اگر کنترل نشود و شرایط مهیا باشد تبدیل به شیطان بزرگ خواهد شد. این مسئله برای افرادی که مسئولیت اداره جامعه را بر عهده دارند، نمود بیشتری خواهد داشت.

دولت‌های مختلفی پس از انقلاب اسلامی روی کار آمدند. پس از اتمام دوران دفاع مقدس هر دولتی سیاست‌های درست و غلط خود را پیاده کرد. فارغ از پیشرفت‌ها و آسیب‌های هر دوره مسئله‌ای که به مرور پیش آمد بدگویی دولت جدید از دولت قبل و انداختن تقصیر مشکلات بر گردن آنهاست.

به نظر میرسد دولت تدبیر و امید هم نتوانسته خود را از این شیوه ناپسند دور نگه دارد. بدگویی از دولت قبل و انداختن تقصیر مشکلات بر گردن آن. رییس جمهور محترم در سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های خود دچار اشتباهاتی شدند که نشان می‌دهد اطلاعات درستی به ایشان نرسیده؛ مثل جریان خزانه خالی!

همچنین در این چندماه دیدیم صفات دیگری در حال شکل‌گیری در مجموعه اعتدالیون است؛ همچون نسبت دادن خوبی‌ها به خود؛ از کسب پیروزی‌های درخشان والیبالیست‌ها گرفته تا حضور پرشور و دشمن‌شکن ملت در راهپیمایی ۲۲ بهمن که برای پاسخ به گزینه‌های روی میز آمده بودند! ویا توجیه بی‌تدبیری‌ها و فراهم کردن ناخواسته موجبات اهانت به ملت در خارج و داخل کشور.

نگرانی ما این است که نکند افرادی در اطرافیان رییس جمهور و دولت ایشان نفوذ کرده باشند که متکبران کینه دولت قبل را به دل دارند و می‌خواهند به واسطه شعار اعتدال عقده‌گشایی کنند. با توجه به وعده‌ها و شعارهای دولت اعتدال انتظار داریم پیروزی در انتخابات را پیروزی در مسابقه خدمت به مردم بدانند نه اعتباری خیالی برای برتری جویی نسبت به انتخاب‌نشدگان.

بدنه دولت نباید با شیوه‌های استکباری به مردمی که به آن رای نداده‌اند برچسب‌های مختلف بزند و منتقدین دلسوز را با عباراتی همچون کم‌سواد بنوازد. پسندیده است که همه ملت را به یک چشم بنگرد و به انتقادات به چشم یک فرصت برای تصحیح اشتباهات بنگرد.

دولت جمهوری اسلامی می‌بایست در جهت عزت ملت و راستای اهداف انقلاب حرکت کند و به رساندن پیام اصیل انقلاب و اسلام ناب افتخار کند نه پیام‌های زودگذر فلان روز از فلان ماه!!

توصیه ما به فرزندان انقلاب همین است که چشم بر گفتارهای رهبر فرزانه خود بدوزند تا مانع پرورش یافتن شیطان درون و برون شوند و سعادت و بزرگی ابدی برای خود مهیا کنند نه خدای نکرده خسران ابدی.

قال الصادق علیه السلام: «إِنَّ الْمُتَكَبِّرِينَ يُجْعَلُونَ فِي صُورِ الذَّرِّ يَتَوَطَّوهُمْ النَّاسُ حَتَّى يَفْرَغَ اللَّهُ مِنْ الْحِسَابِ» همانا متکبرین، مانند مورچه قرار داده می‌شوند و مردم آنها را زیر پا له می‌کنند تا حساب مردم به دست خدا خاتمه یابد.

و السلام علی من اتبع الهدی

نویسنده: baran

کلام امام

بیانات آیت الله العظمی سید علی خامنه ای در جمع مردم آذربایجان ۱۳۹۲/۱۱/۲۸



امسال از سال گذشته هم جمعیت متراکم تر بود. این حرف [که] بر زبان ها تکرار می شود، ممکن است کسی خیال کند که لقلقه ی لسان است که "هر سال از سال قبل بهتر!" اما نه، واقعیت است.

خب، این واقعیت چه چیزی را به ما نشان میدهد؟ تشخیص این حقیر این است که جشن سالگرد انقلاب هم مثل خود انقلاب یک پدیده ی بی نظیر است. یعنی چه؟ [یعنی] همچنانکه انقلاب ما به اعتراف حتی دشمنان، در طول تاریخ انقلاب ها نظیر نداشت از جهات مختلف، بزرگداشت سالگرد این انقلاب هم در هیچ جای دنیا نظیر ندارد. معمولاً سالگرد انقلاب های کشورهای گوناگون را که ما در تلویزیون و در خبرها دیده بودیم، یک مراسم خشک رسمی - بعد از گذشت دو سال، سه سال، چهار سال - برگزار میشد. اینجا این مسئله نیست؛ ملت جشن می گیرد؛ نه فقط در تهران، در همه ی مراکز استان؛ نه فقط در مراکز استان، در همه ی شهرستانهای کشور؛ نه سال اول و دوم و پنجم و دهم، سال سی و پنجم. این پدیده ی عجیبی نیست؟ ۳۵ سال از انقلاب گذشته است؛ آن کسانی که سال اول انقلاب متولد شدند، امروز مردان و زنان ۳۵ ساله اند - از دوره ی جوانی هم تقریباً عبور کرده اند - درعین حال سالگرد انقلاب، همه سال با انگیزه، با احساس استقامت، با وفاداری نسبت به آرمانهای انقلاب، با قدرت و شوکت تکرار میشود؛ این عجیب نیست؟ بگذارید رسانه های دشمن در زبان، هر کار میخوانند بکنند بکنند، [اما] اتاقهای فکرشان میفهمند در اینجا چه خبر است. آنهايي که نشسته اند و مطالعه میکنند، میفهمند که با این ملت، با این انقلاب، با این انگیزه، با این ایمان نمیشود مقابله کرد...

نگاه کنید به شعارهای مردم، پیام را از شعارهای مردم باید گرفت... پیام سلبي انقلاب این است که: ما تسلیم زورگویی نمی شویم، تسلیم باج خواهی نمی شویم، تسلیم نظام سلطه نمی شویم...

یک عده سعی نکنند چهره ی آمریکا را بزک کنند، آرایش کنند، زشتی ها و وحشتآفرینی ها و خشونت ها را از چهره ی آمریکا بزادند در مقابل ملت ما، به عنوان یک دولت علاقه مند، انسان دوست معرفی کنند؛ اگر سعی هم بکنند، سعی شان بی فایده است.

خود ما ملت ایران چه کشیدیم؟ ...

آخری آنچه مردم به چشمشان دیدند، فتنه ی سال ۸۸ است. رئیس جمهور آمریکا با کمال وقاحت ایستاد و از فتنه گران در تهران حمایت کرد؛ حالا هم اخیراً دارند حمایت میکنند. فهرست بدکاری های این دولت اینها است. امروز هم خیلی از نیت های شومی که اینها پشت پرده داشتند و مکتوم نگه میداشتند، دارد بتدریج آشکار می شود.

من امسال روز اول سال ۹۲ در مشهد در جوار مرقد ثامن الحجج اعلام کردم؛ گفتم من حرفی ندارم؛ بعضی از مسئولین و دولتمردان - دولتمردان آن دولت، بعد هم دولتمردان این دولت - فکر می کنند در قضیه ی هسته ای ما با آمریکایی ها مذاکره کنیم [اما] موضوع حل بشود؛ گفتیم خیلی خب، اصرار دارید شما، در این موضوع بالخصوص بروید مذاکره کنید؛ ولی در همان سخنرانی اول امسال گفتم من خوشبین نیستم؛ مخالفتی نمیکنم اما خوشبین نیستم. ببینید مرتب پی در پی اظهارات سخیف آمریکایی ها را؛ سناتور بی ابروی آمریکایی از صهیونیست ها پول میگیرد تا برود در مجلس سنای آمریکا به ملت دشنام صریح بدهد، نه اینکه اهانت کند؛ دشنام میدهد...

البته تو دهتی را روز بیست و دوم بهمن از مردم خوردند. یکی از علل اجتماع گرم تر مردم امسال همین بود که مردم دیدند که چطور مسئولین آمریکا گستاخ، پرو، زیاده طلب، بددهن، بی ادب رو به رو میشوند؛ غیرت دینی مردم آنها را به میدان کشاند تا به دشمن بگویند: اشتباه نکن، ما هستیم.



دیپلماسی ویلچر و سبد کالا

بعد از گذشت حدود هشت ماه از آغاز به کار دولت جدید، حالا دیگر بر همه روشن است که نگاه دولت برای حل مشکلات اقتصادی معطوف به خارج مرزهاست و کلید تدبیر دولت برای بازکردن قفل های معیشتی و اقتصادی مردم، امیدوار به دستان دستگام دیپلماسی خود است. در واقع می توان گفت دولتی که از حماسه ی سیاسی مردم بیرون آمد، خلق حماسه ی اقتصادی برای مردم را به برداشته شدن تحریم ها تفسیر کرده است و تمام هم و غم خود را مصروف مذاکرات هسته ای و به نتیجه رسیدن آن کرده است.

سوی از بحث لزوم «نگاه به ظرفیت های درونی» در حل نارسایی های اقتصادی، برداشته شدن تحریم های ظالمانه امری مطلوب و مورد انتظار برای ماست که می بایست در جریان مذاکرات هسته ای به آن پرداخته شود، اما بحثی که مطرح است این است که چگونه و از چه راهی این امر ممکن است؟!

هیچ کس از دوستان کشور از وجود تحریم ها خوشحال نیست و رفع آنها خواست همه است، اما راه رفع آنها چیست و ما باید دقیقاً چه اقداماتی انجام دهیم که این تحریم های ظالمانه رفع شوند؟

بنظر می رسد سیاست خارجی دولت بدنبال حل مسئله از ساده ترین راه است یعنی پایان دادن به بازی دعوی هسته ای با دادن این پیام به طرف مقابل که «قبول؛ تو بردی، بیا بازی را تمام کنیم!»

کمی دقت کافی است تا ببینیم که بارها و بارها سعی شده است که برافراشتن پرچم سفید و بالا بردن دست ها بصورت ضمنی به طرف مقابل فهمانده شود.

طرف مقابل در آغاز فشارهای خود در قالب تحریم های اقتصادی، آنها را «فلج کننده» توصیف می کند از این طرف در آغاز دور جدید مذاکرات، مذاکره کننده ی ارشد و نماینده ی مردمی که دو سال «تحریم های فلج کننده» را تجربه کرده است، سوار بر «ویلچر» به دیدار تحریم کنندگان می رود و در حالیکه لبخند بر لب دارد از تغییر در نگاه کشورش در سیاست خارجی سخن می گوید.

رئیس جمهور کشور تحریم زده در آستانه مذاکرات از «خزانه خالی» کشورش دم میزند، در حالیکه خود را برای بدرقه ی تیم مذاکره کننده خود آماده می کند. تیمی که قرار است برود برای برگرداندن پول های کشور با تحریم کنندگان مذاکره کند.

و نهایتاً پس از امضای توافقنامه شاهد «نمایش سخیف خیابانی سبد کالا» هستیم. که از یک طرف و برای «مصرف داخلی» نشان دهد که چگونه پول انرژی هسته ای سر سفره های مردم آمده و از طرفی همان پیام ضمنی را برای طرف خارجی بفرستد.

دولت موفقیت خود را به نتیجه رساندن پرونده ی هسته ای تعریف کرده است و به نتیجه رسیدن این پرونده را هم در گرو فهم طرف مقابل از پیام های ضمنی خود می داند.



می شود که از این ابزار تا رسیدن به تمام اهداف خود استفاده کند.

فلذا با این تفاسیر نه تنها بر وجهه ی استکبارستیزی و صلابت حاصل از مقاومت مان در جهان خدشه وارد می شود که چیزی هم عایدمان نشده و در ازای درآرزوشمندی که به حراج گذاشته ایم، دست خالی بر خواهیم گشت و نه تنها خللی در ساختمان این تحریم های ظالمانه که به گفته ی خودشان بیش از این قابل ادامه دادن نبود، وارد نکرده ایم، که رویکردی را پیش گرفته ایم که می تواند انگیزه ی لازم را برای ادامه ی تحریم ها با قوت بیشتر، به طرف مقابل بدهد!

امیدواریم زودتر از آن زمانی که کمی دیر بشود، همه بفهمیم که این سبک دیپلماسی ویلچر و سبد کالا و... نه تنها عزت را به معامله برده است و نه تنها عایدی نخواهد داشت که موجبات بدتر شدن شرایط را فراهم می کند.

امیدواریم هرچه زودتر برای همه روشن شود که امیدی به این تدبیر نیست و تدبیر حقیقی فقط و فقط در «تأمین کرد دشمن» از رویه فعلی خود است!

پن ۱:

پرداختن به مسائلی از قبیل ویلچرنشینی جناب ظریف و یا سبد کالا و حواشی اش در این برهه بگذارید پای اینکه در آستانه ی آغاز دور جدید مذاکرات و آن هم مذاکرات به اصطلاح گام نهایی هستیم و گفتن و شنیدن این مطالب خالی از لطف نیست.

پن ۲:

صحبت های خصوصی جان کری و جناب ظریف که در آنها حرف از سوریه و... هم به میان می آید، یا این قبیل اظهار نظر های مقامات امریکایی مثلاً درباره ی سبد کالا و... را هم می توانیم بگذاریم پای اینکه پیام های ارسال شده در حال «دلپور» شدن هستند...

خدای مان به خیر بگذراند...

نویسنده: mahdiyar85
شماره لینک افسران: 523650

آنطرف می گوید «تحریم فلج کننده»، این طرف ویلچر نشین خود را عرضه می کند. آن طرف می گوید تحریم ها شما را بر سر کار و پای میز مذاکره آورده، این طرف خزانه خود را خالی توصیف میکند و راهی مذاکره می شود. آنطرف می گوید تحریم ها را برداشته ایم و فقط کمی شیر را برایشان باز کرده ایم که نفسی بکشند، این طرف مردمش را در سرمای زمستان قطار می کند در صف گوشت و برنج.

و همه ی این پیام های ضمنی با اصطلاحی کنایی ترکیب می شود. «پیام انتخابات!»

یعنی این ویلچرنشینی و این خالی بودن خزانه ها و جیب ها پیام رای مردم در انتخابات است و این مردم هستند که زیر تحریم های فلج کننده ویلچرنشین شده اند و خزانه ی جیب هایشان خالیست و حالا هم در صف برنج سبد کالایی که با قسط اول پولی که از توافق عایدشان شده، منتظرند تا پول انرژی هسته ای شان را بر سر سفره ببرند!

و این تدبیر شاید ساده ترین و دم دست ترین راه برای حل مشکل بنظر برسد. که شما خواستید که فلج کنید، حال موفق شده اید و لطفاً دست بردارید!

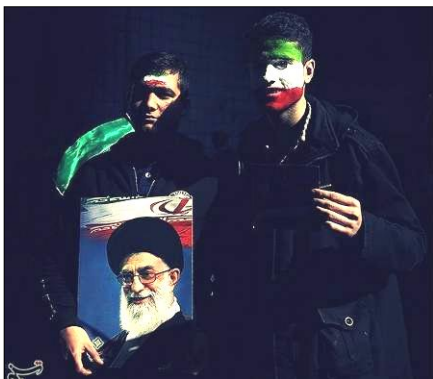
اما این تدبیر در حل مشکلات اقتصادی و این نگاه در سیاست خارجی به کجا خواهد رفت؟!

حتی اگر بخواهیم از به تاراج رفتن عزت ملی و تخریب وجهه ساخته شده از سی و چندسال ایستادگی و مفاهیم این چنینی هم چشم پوشی کنیم و از نگاه سود محور رایج دنیای امروز به مسئله نگاه کنیم، خواهیم دید که امیدی به این تدبیر دولت نیست!

اینکه به دشمنی که در طول این سال ها در حال تست کردن رویه ها و روش های مختلف دشمنی بوده، پیام بدیم که «قبول؛ این روش تو جواب داد، حال بیا و تماش کن» و کارآمدی آن روش را برایش اثبات کنیم، چه دلیل عقلی و منطقی ای وجود دارد که وی آن روش را کنار بگذارد؟!

وقتی به او بفهمانیم که ابزار تحریم او نتیجه ی مورد نظر او را گذاشته است (حتی با وجود اینکه در واقع اینطور نیست) بدیهی است که او حاضر نخواهد بود از این ابزار کارآمد خود چشم پوشی کند و آن را کنار بگذارد و برعکس مصمم

بیست و دومین ماه



فرزند انقلاب... فرزند انقلابی



درست است که جوان طلبه‌ی انقلابی اهل عمل است، اهل فعالیت است، اهل تسویف و امروز به فردا انداختن کار نیست، اما باید مراقب باشد؛ میباید حرکت انقلابی جوری باشد که بتواند تهمت افراطی‌گری به او بزند. از افراط و تفریط بایستی پرهیز کرد. جوانهای انقلابی بدانند؛ همان طور که کناره‌گیری و سکوت و بی‌تفاوتی ضربه میزند، زیاده‌روی هم ضربه میزند؛ مراقب باشید زیاده‌روی نشود. ... اقتضای انقلابی‌گری، اینها نیست. انقلابی باید بصیر باشد، باید بینا باشد، باید پیچیدگی‌های شرائط زمانه را درک کند. مسئله اینجور ساده نیست که یکی را رد کنیم، یکی را اثبات کنیم، یکی را قبول کنیم؛ اینجوری نمیشود. باید دقیق باشید، باید شور انقلابی را حفظ کنید، باید با مشکلات هم بسازید، باید از طعن و دق دیگران هم روگردان نشوید، اما باید خامی هم نکنید؛ مراقب باشید. مأیوس نشوید، در صحنه بمانید؛ اما دقت کنید و مواظب باشید رفتار بعضی از کسانی که به نظر شما جای اعتراض دارد، شما را عصبانی نکنند، شما را از کوره در نبرد. رفتار منطقی و عقلانی یک چیز لازمی است. البته این را هم به همه توصیه کنیم که نیروهای انقلابی را متهم به افراطی‌گری نکنند؛ بعضی هم اینجوری دوست میدارند. عنصر انقلابی، جوان انقلابی، طلبه‌ی انقلابی، فاضل انقلابی، مدرس انقلابی در هر سطحی از سطوح را متهم کنند به افراطی‌گری؛ نه، این هم انحرافی است که به دست دشمن انجام میگیرد؛ واضح است...

(بیانات در دیدار طلاب، فضلا و اساتید حوزه علمیه قم؛ ۱۳ ذی‌القعده ۱۴۳۱)

همچنین ایشان داشتن احساسات انقلابی را به عنوان یکی از شعب معنویت (تدین و اخلاق) از لازمه‌های افراد جوامع مختلف (فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی) می‌دانند. (بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان و طلاب؛ ۱۳۷۲/۹/۲۴)

شهید مظلوم آیت الله بهشتی (ره) یکی از دلایل انقلاب کردن را تغییر واقعیت‌های جهان و نپذیرفتن آنها اینگونه که هست بیان کردند که تغییر شرایط و قوانین بازی طبق اهداف انقلاب و مردم انقلابی جز با شناخت دوست و دشمن و توجه به روحیات و عکس‌العمل دشمنان در مواقع کامیابی و یا ناکامی‌ها امکان‌پذیر نیست. خداوند تعالی درباره شناخت و رفتار با دشمن در آیه: ... وَإِنْ تَصَبَّرُوا وَتَتَّقُوا لَأَيُّرْكُم كَيْدَهُمْ شَيْئًا ... (آل عمران - ۱۲۰) به مسلمانان سفارش نموده که دشمنان را نه همراه بگیرند و نه دوست. این آیه می‌فرماید: این برخورد ممکن است تاوان سختی داشته باشد و آنان بر علیه شما توطئه کنند، بنابراین شخص انقلابی باید اهل صبر و تقوا باشد و حيله‌های دشمن را بشناسد تا آنان ضربه‌ای به انقلاب نزنند.

و این طبیعی است که تمام فرزندان انقلاب پس مدتی انقلابی نمانند و مشی خود را تغییر دهند اما تا وقتی که راه آنان دچار ضدیدت با نظام برخاسته از انقلاب نشده باشد همچنان فرزند انقلاب باقی خواهند ماند.

نویسنده: matinemami

اغلب یک کلام یا اصطلاح می‌تواند در بردارنده چند مفهوم متفاوت باشد زمانی که بخواهیم دو اصطلاح شبیه به هم از نظر لفظ برای رسیدن به مقصود گوینده بررسی و مقایسه کنیم، دو مشکل عمده وجود دارد. اولین مشکل مربوط به تفاوت آراست. اینکه هدف و مقصود گوینده از ادای آن، چه بوده است، یک اصطلاح ممکن است با توجه به نسبت کلمات و عناصر تشکیل دهنده برای شما مفهوم خوبی و خوشایندی داشته باشد، در حالیکه ممکن است در جمع با یک کلمه دیگر معنای ملامت و تخطئه را از آن دریافت کنید.

مشکل دوم در بررسی و مقایسه یک کلام از نظر معنایی، شناخت متکلم در استفاده از الفاظ گوناگون در محاوره رسمی یا روزانه است.

همچنین در فهم معنای کلام اشخاصی که دارای منظومه فکری و مبنا ساز هستند جز با دقت نظر در اصطلاحات استعمال شده و مقایسه صحیح چند اصطلاح شبیه به هم از نظر لفظ نمی‌توان به مطلق یا مفهوم دقیق یا کلی کلام رسید.

وقتی به این قائل باشیم که قطعاً سخنان یک شخص چیزی جز حکمت نیست و هر کلمه در جمع با حرف و کلمه‌ای دیگر معنای خاص خود را داراست و برای این عقیده حجت صحیح داشته باشیم مانند:

"گوش‌تان به دهان رهبر باشد. چون ایشان گوششان به دهان حجت‌بن‌الحسن (عج) است" از حضرت علامه حسن زاده (حفظه الله)، دیگر به تصادفی یا عادی بودن شباهت اصطلاحات بکار برده شده اعتنایی نخواهیم کرد.

در یک برهه زمانی دو ترکیب از کلمات، توسط مقام معظم رهبری (حفظه الله) بیان شده که حقیقتاً باید به دنبال معنای دقیق و تفاوت آنها باشیم چرا که نقش کلیدی در رفتارهای شخصی و تشخیص رفتار افراد اطراف ما دارد. دو اصطلاح "فرزند انقلاب" و "انقلابی بودن" هرچند مقداری شباهت ترکیبی و لفظی دارند ولی گوینده قصد فهم معنای خاص توسط مخاطب را کرده.

نسبت معنایی بین "فرزند انقلاب" و "انقلابی بودن" ثابت می‌کند که هرچند عنوان "فرزند انقلاب" را یک خصوصیت خوب برای یک مسئول فرض کنیم، ولی بالحق راه درازی برای رسیدن به خصوصیت متعالی یا همان "انقلابی بودن" در پیش رو دارد. یعنی هر شخص انقلابی فرزند انقلاب است ولی هر فرزند انقلاب، انقلابی نیست. همانطور که تمسک به اخلاق و سنت حضرت رسول (صلی الله علیه و آله و سلم) و سعی برای رسیدن به آن خلق نیکو صواب ثواب این صواب دو چندان است.

وقتی حضرت آقا (حفظه الله) می‌فرمایند من انقلابی هستم ... و در جای دیگر اصطلاح "فرزند انقلاب" را بیان می‌کنند چند نکته را باید مد نظر داشته باشیم مانند:

اول اینکه: حتماً بین این اصطلاحات فرق بگذاریم؛

دوم اینکه: معنای دقیق هر کدام را برای تشخیص خوب از خویتر بفهمیم؛

سوم اینکه: سعی کنیم تمام رفتار ما طبق آن رفتار عالی باشد.

ایشان سالهاست در تعریف از اقشار مختلف جامعه به نسبت انقلابی بودن سخنان زیادی را فرمودند مانند سخنان ایشان درباره طلبه و جوان انقلابی که فرموده‌اند:

پیام ضعف در سی و پنجمین سال پیروزی انقلاب



Media playback is unsupported on your device

#BBCtrending: Iran food aid backfires in 'shame'

7 February 2014 Last updated at 11:20 GMT

A plan by President Rouhani's government to address poverty in Iran has backfired after it was ridiculed on social media.

The Iranian government decided to give out free food baskets in a bid to reduce inflation and the benefits bill.

But the actual handout of food led to large queues and chaotic scenes, images of which were shared on social media.

«بعضی دانسته، بعضی ندانسته، با اظهارنظرهاشان، با حرفهاشان، به خواست دشمن کمک میکنند؛ باید همه مراقب باشند. دشمن امروز میخواهد از جمهوری اسلامی یک چهره نامطلوبی به ملت های منطقه نشان بدهد تا آنها به این طرف سوق داده نشوند و خط ایستادگی در مقابل استکبار - که خصوصیت ملت ایران است- در میان آنها رواج پیدا نکند»
بیانات مقام معظم رهبری در اجتماع مردم کنگاور ۱۳۹۰/۰۷/۲۷

چند ماه پیش که رئیس جمهور از خزانه خالی صحبت کرد کسی تا این حد متوجه نبود که این پیام ضعف چه پیامدهایی برای نظام خواهد داشت. گذشت و دیدیم و متوجه شدیم که وقتی «مدیریت اقتصادی کشور به جای آن که با تکیه بر قدرت، مقاومت و ابتکار مردم سرافراز ایران پیام رشد پایدار به جهان بدهد، پیام ضعف به تحریم کنندگان می دهد.» (دکتر روحانی؛ ۱۳۹۲/۰۲/۱۷؛ ستاد انتخابات وزارت کشور) باید منتظر وقاحت دشمن بود.

امسال شرایط ما حساس تر از سالهای گذشته است، هر عمل ما موقعیت تیم مذاکره کننده هسته ای را تحت شعاع قرار میدهد. در این بین دولت تدبیر و امید تمام بیلبردهای علیه امریکا را جمع میکند و دانما هم چراغ سبز به دشمن میفرستند با این عنوان که باید اعتمادسازی کرد!

هرساله در دهه مبارک فجر ایرانیان با رونمایی از دستاوردهای ملی خود نوعی مانور قدرت در مقابل دشمن انجام میدهند تا بفهمد تحریمها و تهدیدهایش در عزم ما خللی وارد نخواهد کرد.

اما به یکباره در دهه مبارک فجر شاهد یک واقعه ای فراتر از بی تدبیری و در حد فاجعه هستیم. صفهای طولانی سید کالا که عزت ملت ایران را خدشه دار کرد. تلویزیون دولتی انگلیس با بیان اینکه این صفها خاطره صفهای نفت سال ۵۷ را زنده کرد سعی در نشان دادن فلاکت مردم را داشت. شرمن هم با بی احترامی به مردم، بازگشت پولهای بلوکه شده خودمان را راه نجات از فقر ایرانیان میدانند.

پس از این رئیس جمهور از مردم عذرخواهی میکند. واقعا این عذرخواهی را باید قدر دانست ولی :
آقای روحانی! بر فرض که ما هم شما را بخشیدیم با «پیام ضعف» ی که به تحریم کنندگان فرستادید چه میکنید؟! میخواهید بگویید فتوشاپ بود؟! یا این سید «مصرف داخلی» داشت؟! عینکشان را می خواهید عوض کنید؟! چشمهایشان را هم بشوید آنها از شما راضی نمیشوند! یادتان هست که آنها دشمن ما هستند؟! این دومین بی تدبیری شما در این حوزه نیست؟! میخواهید یواش یواش به فکر اسم جدید برای دولتتان باشید؟! البته ما فرض را بر این می گذاریم که ناگاهانه بوده است!

پوستر



شاخص، اسلام است؛ شاخص، اشخاص نیستند!

با چهره‌ها نمی‌شود حق را تشخیص داد. یک چهره‌ی موجه محترم است، مورد قبول است، مورد تکریم است؛ اما او نمی‌تواند شاخص حق باشد. گاهی چهره‌ی موجهی مثل بعضی از صحابه‌ی پیغمبر راه را عوضی می‌روند، اشتباه می‌کنند. باید حق را شناخت، باید راه را تشخیص داد تا بفهمیم این شخص حق است یا باطل. هر که از این راه رفت، حق است؛ هر که از راه حق نرفت، مردود است. حق را باید شناخت. امام خامنه‌ای ۸۸/۸/۳

شماره لینک افسران: 524547



لیبند تاکتیکی فقط بچه‌ها را فریب می‌دهد

خنده‌ی تاکتیکی، لیبند و روی خوش تاکتیکی. فقط بچه‌ها و کودکان را فریب می‌دهد. یک ملت بزرگ با این تجربه، و مسئولین برگزیده‌ی یک چنین ملتی، اگر فریب بخورند، خیلی باید ساده‌لوح باشند؛ یا باید ساده‌لوح باشند. یا باید غرق در هوی و هوس باشند؛ دنبال زندگی راحت و خوش و همراه با عافیت باشند؛ بخواهند با دشمن بسازند.

بیانات امام خامنه‌ای - ۱۲ آبان ۱۳۸۸

شماره لینک افسران: 525576



تنها راه حل مشکلات اقتصادی کشور نگاه به ظرفیت‌های بی‌شمار درونی است.

و نه نگاه به بیرون و برداشته شدن تحریم‌ها.
به دشمن نمی‌توان چشم دوخت و از دشمن نمی‌توان انتظار داشت.

شماره لینک افسران: 519121



شماره لینک افسران: 517007



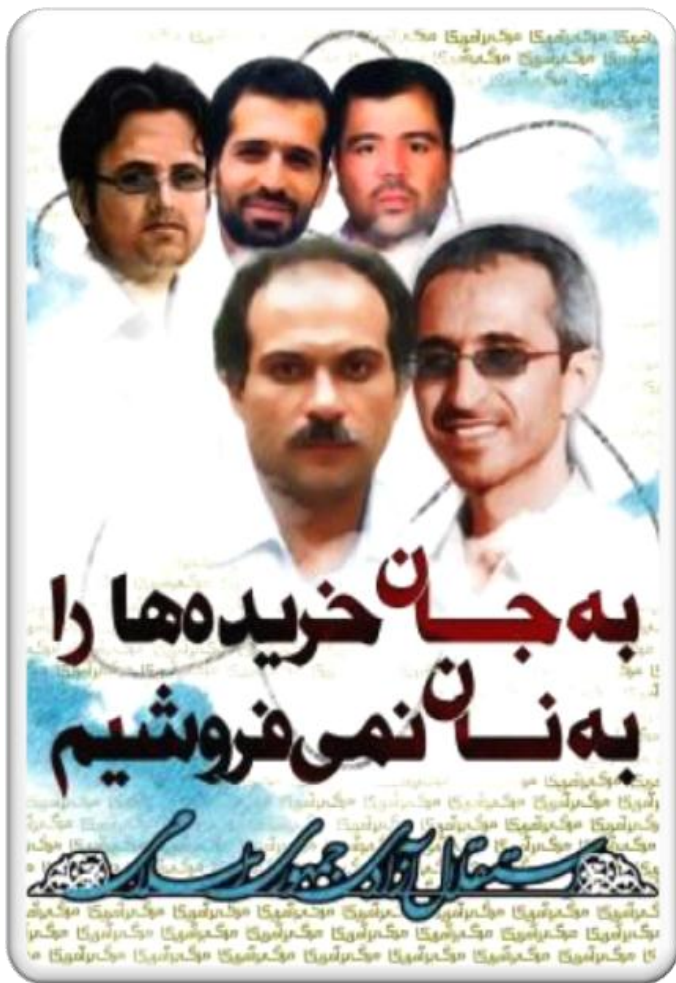
صد درصد خود جوش! به یاد شربت شهادت بنوشید...



WWW.AFSARAN.IR

شماره لینک افسران: 516544

پوستر



شماره لینک افسران: 511801



شماره لینک افسران: 510757



افسران گرافیک است

Afsaran.ir/group/117



و اینچنین بود ماجرای نرمش قهرمانانه



رهبر انقلاب ضمن حمایت از تیم دیپلماسی جمهوری اسلامی:

**دیپلماسی موفق
متکی به «اقتدار درون‌زا» است**

به دشمنی که لبخند می‌زند اعتماد نکندید

تلاش برای حذف شعار مرگ بر آمریکا و سردادن شعار فریبنده تعامل با همه جهان و محور قرار دادن مذاکره با آمریکا برای حل مشکلات اقتصادی، خواسته یا ناخواسته در راستای تضعیف استقلال طلبی بوده است.

در دوره های گوناگون می بینیم تحت عنوان مقاله های علمی از فلان استاد دانشگاه یا سخنرانی فلان کارشناس اقتصادی، این فکر به مردم تزریق میشود که برای پیشرفت همه جانبه باید نظام از مواضع خود کوتاه بیاید و با صاحبان قدرت ملایم رفتار کند و اشکالی هم ندارد در این راه خواسته های نا مشروع آنان را تاحدی برآورده کند.

هنوز هم نسل تقی زاده هایی که می گفتند برای پیشرفت باید «از فرق سر تا ناخن پا فرنگی شویم» موجودند فقط کمی تحول یافته تر و به روزتر! که مثلا می گوید کسی که زبان انگلیسی نمیداند منطقی فکر نمی کند (سریع القلم).

«قدرت های مداخله گر... سعی میکنند این حس {حس استقلال} را در ملت، در رهبران و در رهبران و در پیشروان ملت، تضعیف کنند، لذا دستگاه های تبلیغاتی اینها به کار می افتند برای اینکه ملتها را از استقلال روگردان کنند؛ این جور تبلیغ میکنند که استقلال سیاسی کشورها یا استقلال فرهنگی و اقتصادی کشورها با پیشرفت کشورها منافات دارد... در دنیا به عنوان اتاقهای فکر، به عنوان حرفهای فیلسوفانه، این مطالب را پخش میکنند، کسانی هم در داخل کشورها - از جمله داخل کشور ما - همین حرفها را از طرف آنها منتشر میکنند، که یک کشوری اگر بخواهد در مجموعه ای کشورهای پیشرفته دنیا قرار بگیرد، چاره ای ندارد جز اینکه از میل استقلال خواهی فرو بکاهد، میل به استقلال را در خود کم کند.»

۱۳۹۲/۱۱/۱۹

...

اغتشاش برای تحقق انقلابی از نوع رنگی را فراهم کردند که با عنایت و لطف خداوند و بصیرت ملت ناکام ماندند ولی لکه ننگ خیانت تا ابد بر دامنشان باقی ماند.

« اگر فرض کنیم یک ملّتی که از استبداد حاکمان خود به جان آمده، قیام کند و انقلاب کند و با آن مستبد مبارزه کند، اما با آن سلطه گر خارجی ای که پشت سر این مستبد قرار داشت، سازش کند، سرنوازش این انقلاب و مسئولان و مدیران این انقلاب، یا شکست است یا خیانت، از این دو حال خارج نیست؛ یا دچار خیانت خواهند شد و به انقلابشان، به کشورشان خیانت خواهند کرد؛ یا اگر بخواهند خیانت نکنند شکست خواهند خورد، از صحنه محو خواهند شد» ۱۳۹۲/۱۱/۱۹

**انقلابیون مصر دیکتاتور خود را
سرنگون کردند اما با استکبار سلطه گر
پشت سر او از در سازش وارد شدند
و همینطور برخی مدیران
جمهوری اسلامی ایران!
یکی محکوم شکست شد و دیگری
مجبور به خیانت!! شکست یا خیانت
نتیجه گم کردن هدف اصلی انقلاب
یعنی مبارزه با استکبار است.**

۲- یکی از مولفه های کسب عزت، داشتن استقلال است که متأسفانه گاهی در غبار بدفهمی ها و کجروی ها فراموش میشود.

وقتی هنگام تبلیغات انتخابات و پس از آن مشکلات اقتصادی کشور به گردن تحریم ها و بالطبع نداشتن رابطه با استکبار می افتد این فرض به مخاطب القا میشود که ما نمی توانیم مشکلات خودمان را حل کنیم. باید کدخدایی بیاید و گره مشکلات را باز کند.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی همواره شیطان بزرگ در حال پیاده کردن روش های مختلف برای نابودی نظامی اسلامی بوده است. یکی از خطرناکترین شیوه های او در پیش گرفتن جنگ نرم برای فروپاشی از درون بوده است که جنبه های مختلفی را در برمیگیرد. در این میان اثرگذاری غیرمستقیم بر مسئولین کشور و هدایت آنان به انجام نقشه های خود (خواسته یا ناخواسته) از مهمترین بخش های این جنگ نرم است که رهبر فرزانه انقلاب در سخنان خود به مناسبت های مختلف هشدارها و راهکارهای لازم را در این موارد دادند و حتی برای بالابردن سطح ادراک ها از تاکتیک هوشمندانه ویژه ای استفاده کردند.

۱- در فوریه سال ۲۰۱۱ انقلاب مردم مصر با سرنگونی حسنی مبارک به پیروزی نسبی رسید و پس از فراز و نشیب هایی در ژوئن ۲۰۱۲ انتخابات ریاست جمهوری در مصر برگزار شد و محمد مرسی به عنوان نخستین رئیس جمهور بعد از انقلاب به پیروزی رسید.

با مرور وقایع آن سالها می بینیم مرسی و گروه اخوان المسلمین ارتباط خود را با آمریکا و اسرائیل قطع نکردند و حتی قول دادند به پیمان صلح با اسرائیل پایبند خواهند ماند!!

با اینهمه پس از حدود یکسال در ژوئن ۲۰۱۳ محمد مرسی طی کودتایی از ریاست جمهوری خلع و به زندان افتاد و حکومت مجدداً به دست ارتش مصر که وابسته آمریکا می باشد افتاد و شکست نصیب انقلابیون شد.

سال ۸۸ پس از اعلام نتیجه انتخابات ریاست جمهوری در ایران فتنه ای شکل گرفت که عظمت حماسه مردم را تحت الشعاع قرار داد. پس از خاموش شدن آتش فتنه مشخص شد سردمداران داخلی این حرکت همچون سیدمحمد خاتمی، میرحسین موسوی و مهدی کروبی در ارتباط با سرویس های جاسوسی استکبار بودند و موجبات



در اصول فقهی ما حاکم جامعه آگاهترین فرد نسبت به شرایط زمان و اوضاع جهان است .

مسئله مسئولین دولتی (چه دولت کنونی و چه دولت دهم) در پیشنهاد مذاکره با آمریکا اشتباه بزرگی کرده اند و این بی توجهی به روشنگری های رهبری فقط موجبات توهین به ملت و از دست رفتن عزتشان را فراهم کرد .

با وجود شکست در این مسیر دولتیان مجبورند به وعده های خود عمل کنند و برنامه شان را ادامه دهند . یکی به خاطر خصلت اسلامی نظام ما که خلف وعده را حرام می داند و دوم اینکه اتمام راه از پیش شکست خورده مجازاتی است برای کسانی که نمیخواهند از تاریخ عبرت بگیرند!

«کاری که وزارت خارجه ی ما و مسئولین دولتی ما شروع کردند، ادامه پیدا خواهد کرد؛ ایران آنچه را قرار گذاشته است و عهد کرده است نقض نخواهد کرد. البته مسئولین تلاش خودشان را بکنند، کار خودشان را بکنند، اما آمریکایی ها با انقلاب اسلامی دشمنند، با جمهوری اسلامی دشمنند» ۱۳۹۲/۱۱/۲۸

۶- همانطور که بارها توسط امام و رهبری گفته شده و تجربه شده است درمان مشکلات کشور استفاده از این نسخه طلایی است که باید به ظرفیت های داخلی و توان درون کشور توجه کرد .

«علاج مقابله ی با این دشمنی هم فقط یک چیز است و آن، تکیه ی به اقتدار ملی و به توان داخلی ملی و مستحکم کردن هرچه بیشتر ساخت درونی کشور است.» هرچه در این زمینه ما کار بکنیم، کم است.» ۱۳۹۲/۱۱/۲۸

انتظار ما از دولت ها بخصوص دولت کنونی همین است که توجه خود را از خارج کشور به داخل معطوف کنند و بدانند که با به خطرانداختن استقلال کشور هیچ مشکلی حل نخواهد شد و بالعکس به مشکلات اضافه خواهد شد که حتما خودشان هم به این راه حل رسیده اند ان شاء الله .

پ ن: راهپیمایی باشکوه ۲۲بهمن ۱۳۹۲ پاسخی کوبنده به یاهو گویی های دشمن بود و متعلق به هیچ جناح و طیف حزبی نبود . همانطور که امام خامنه ای فرمودند « باید جبهه ی سپاس و ستایش در مقابل پروردگار عالم به خاک بساییم که محو دلها و مقلب نیتها و عزمها است و همه چیز با اراده ی پروردگار است»

و خدا را شاکریم که رهبری دانا و پرهیزکار و مقتدر نصیبمان کرد که مصداق روشن و تمام « اشداء علی الکفار رجما بینهم» است و این روزها با نرمش قهرمانانه خود نقشه های فریبکارانه دشمن را نقش برآب کرد .

به امید رسیدن وقت موعود و نبرد آخرین با شیطان بزرگ و ظهور دولت یار.

نویسنده : baran

«یک عده سعی نکنند چهره ی آمریکا را بزرگ کنند، آرایش کنند، زشتی ها و وحشت آفرینی ها و خشونت ها را از چهره ی آمریکا بزایند در مقابل ملت ما، به عنوان یک دولت علاقه مند، انسان دوست معرفی کنند؛ اگر سعی هم بکنند، سعی شان بی فایده است.» ۱۳۹۲/۱۱/۲۸

تاکیدهای رهبری و توصیه ایشان به زیر نظر گرفتن مذاکرات و نتایج آن توسط ملت برای این است که عبرت گرفته شود و حافظه تاریخی ملت تقویت شود تا مجدداً در دام فریبکاری های استکبار و عاشقان سینه چاک داخلی آن نیفتد.

۵- گزینه مذاکره با آمریکا بارها در طول تاریخ انقلاب تکرار شده است و همیشه با مخالفت امام و رهبری مواجه شده . دلیل این مخالفتها بارها اعلام شده است که هدف مذاکرات از سوی دشمن ، شکستن هیمنه جمهوری اسلامی و کم رنگ کردن اثرگذاری آن بر منطقه و گرفتن کنترل کشور ، حتی به طور غیرمستقیم است اما متأسفانه حامیان تفکر مذاکره در بین مسئولین کم نبودند که شرح احوالات و دلایشان ، تاحدی در بندهای فوق گفته شد .

امسال با روی کار آمدن دولت اعتدال این قضیه جدی تر شد . به خاطر اصرار این افراد و اثرگذاری نسبی افکار آنان بر بخشی از جامعه ، رهبری تاکتیک جدیدی اتخاذ کردند، یعنی همان «نرمش قهرمانانه» ایشان قبول کردند مذاکره انجام شود و هم‌منظور که فرمودند یک تجربه برای همه ایجاد شود . و پس از امضای توافقنامه ژنو دیدیم که سیل تهدیدها و توهین های آمریکایی ها به سمت ملت بزرگ ایران جاری شد .

«من امسال روز اول سال ۹۲ در مشهد در جوار مرقد ثامن الحجج اعلام کردم؛ گفتم من حرفی ندارم؛ بعضی از مسئولین و دولتمردان - دولتمردان آن دولت، بعد هم دولتمردان این دولت- فکر می کنند در قضیه ی هسته ای ما با آمریکایی ها مذاکره کنیم [تا] موضوع حل بشود؛ گفتیم خیلی خب، اصرار دارید شما، در این موضوع بالخصوص بروید مذاکره کنید؛ ولی در همان سخنرانی اول امسال گفتم من خوشبین نیستم؛ مخالفی نمیکنم اما خوشبین نیستم. ببینید مرتب پی در پی اظهارات سخیف آمریکایی ها را!» ۱۳۹۲/۱۱/۲۸

یک سوی قضیه وظیفه رهبری برای یکپارچه نگه داشتن کشور همراه با چشم پوشی از خطاهاست و طرف دیگر ، وظیفه مسئولین و ملت است در قبال نظرات و فرامین رهبری .

زمانی جامعه اسلامی ما به بلوغ فکری خود میرسد که اعتماد کامل به امام خود پیدا کند و نخواهد برخلاف نظرات رهبر خود حرکتی انجام دهد چراکه

۳- به دو علت انسان از گفتن صریح حق در برابر زورگو بازمی ماند : یا مرعوب است یا شیفته ! شجاعت امام خمینی رحمت الله علیه در برابر دشمن و یقین او به راهش باعث شده بود هیچ ملاحظه و واهمه ای از بیان صریح و شفاف موضع خود در قبال استکبار نداشته باشد .

اما در دوره های مختلف مسئولین و مدیرانی دیده شدند که بنا به دلایل گفته شده نتوانستند آنطور که باید و شاید در برابر ظلم ظالمان بایستند و اصول انقلاب و شعارهای آن را مطرح کنند .

متأسفانه می بینیم برخی حلقه های فکری که وظیفه تئوری پردازی دولتها را به عهده دارند حقیرانه بر طبل شیفتگی خود نسبت به غرب بویژه آمریکا می کوبند و یا با وحشت از قدرت پوشالی آن ، کلید حل مشکلات را در سازش با او می دانند . این باعث میشود مدیران برخاسته از این حلقه ها نتوانند بین آرمان انقلاب و سیاستگذاری های خود جمع ببندند .

این برای مسئول جمهوری اسلامی بد است که از اظهار دشمنی با اسرائیل و آمریکا واهمه داشته باشد یا خجالت بکشد.

نیاید دیپلمات ما به خاطر رودربایستی (خوشبینانه) با رژیم خونخوار صهیونیستی بر افسانه هولوکاست صحنه بگذارد.

«امام ... پرده پوشی نکرد. امام در قضیه ی مقابله ی با شبکه ی صهیونیستی خطرناکی که بر دنیا میخواد حکومت بکند، هیچ ملاحظه ای نکردند، حرفی را پوشیده نگذاشتند... ببینید اینها اصول و پایه ها است. امام در اینکه ما با نظام سلطه مخالفیم، هیچ پرده پوشی نکرد.» ۱۳۹۲/۱۱/۱۹

قدرت اثرگذاری امام رحمت الله علیه به خاطر قاطعیت و روشن بودن موضع در برابر دشمن بود نه به خاطر لبخند زدن به او !

همانطور که رهبر فرمودند نباید هدف های انقلاب در میان افکار خسته انقلابیون پشیمان یا روشنفکرناگم شود . رمز پیروزی در مقاومت و پایداری بر هدف است .

۴- همان مرعوبین یا شیفتگان غرب برای پیشبرد سیاست های خود و جا انداختن افکار حقیرانه خود سعی می کنند با انواع و اقسام توجیهات ، دشمنی دشمن را کم رنگ کنند و از دولت آمریکا چهره ای منطقی ، اهل تعامل سازنده و مخالف خشونت نمایش دهند که البته واقعیتها این تلاش ها را بی حاصل گذاشته و خواهد گذاشت .

«متأسفانه انسان مشاهده میکند در برخی از فاصله ها و مقاطع حرفهایی زده میشود از سوی دشمنان؛ این برای مردم ما مایه ی عبرت است... ملت ایران این مذاکرات را زیر نظر داشته باشند؛ اظهار نظرهای بی ادبانه ی مسئولان آمریکایی را مردم ببینند، زیر نظر داشته باشند، ... بعضی ها میخواهند نظر مردم را از دشمنی دشمن منصرف کنند؛ نه، ببینید دشمنی را، ببینید دورویی را.» ۱۳۹۲/۱۱/۱۹

پیام‌نما

آیا با رفع مسئله هسته‌ای ایران، چالش ما با دنیای استکبار به پایان می‌رسد؟
خیر ... هسته ای بهانه است

آیا رفع مسئله هسته‌ای، چالش ما با دنیای استکبار به پایان می‌رسد؟

هسته‌ای بهانه است

با جامعه مستکبران از اسلام دست بردارید اینها را نمی‌شوند. تا وقتی که در جهان به گردن اینها نیندازید و دنیا را به آنها نشویید همین آن است و همین گامه

اگر هسته‌ای تمام شود
برای همه جمهوری اسلامی هسته‌ای بهانه‌ای نیست
کود جهان که آنها بخواهند. چرا که مسئله هسته‌ای
جودده شده ده بهانه‌ای دیگر را به دست می‌گذارد...

چرا حقوق بشر را نقض می‌کنید؟
چرا هوای پدای بدون سر نشین دارید؟
چرا شما موشک دارید؟

چرا رژیم صهیونیستی را به رسمیت نمی‌شناسید؟
چرا به موازین دینی و اسلامی پایبندید؟
چرا الزامات در منطقه حمایت می‌کنید؟
چرا با رژیم صهیونیستی دشمنید؟
چرا در ایران دموکراسی نیست؟

باموجودیت جمهوری اسلامی مخالفتند
این عبارت اگر قبلاً کسی هم که دعوی آمریکا یا ما هم گفتی هسته‌ای است تا نه طریقی هسته‌ای بهانه است. قبل از اینکه هسته‌ای مطرح باشد همین
دانش‌ها و مخالفت‌ها از آن اتفاق بود. مسئله این است که ملت ایران به توانمندی‌های آمریکا که گمانه‌ها می‌کنند هیچ فشار نمی‌تواند بگذرد. اینها با موجودیت
طرد و فشار جمهوری اسلامی مخالفت...

نشانی دریافت نسخه با کیفیت تر:

<http://farsi.khamenei.ir/photo-album?id=25301#201729>

وقتی سیبیلو خواست «مرگ بر آمریکا» بگه



به چیزایی رو باید از بچگی به آدم ها یاد داد تا هیچ وقت یادشون نره، مثل اصول عقاید. درسته که زبون بچه ها با زبون بزرگتر متفاوته ولی حرف حساب رو خوب می فهمن، حتی یه وقتایی بهتر از بزرگتر.

قرار بود بریم راهپیمایی ۲۲ بهمن. سال های قبل هم می رفتیم ولی سیبیلو کم سن تر از اون بود که بیرسه برای چی میریم. امسال قبل از این که برای رفتن آماده بشیم ازم پرسید: « برای چی باید بریم راهپیمایی؟ » سوال سختی بود. باید جوابی بهش می دادم که هم می فهمید شاه آدمی بوده که رفتارش با عقاید ما سازگار نبوده (و نشه مثل یه سری از بزرگتر که بعد از ۳۵ سال هنوز نفهمیدن هدف اصلی انقلاب ارتقاء شعور مردم بود و رفاه فرع ماجراست) و هم در نشون دادن بدی شاه اغراق نکرده باشم که ۴ روز دیگه که بزرگتر شد و بهتر فهمید، حرفم بی اعتبار بشه.

بهش گفتم: « قبلنا یکی توی کشور ما رییس بود که بهش میگفتن شاه. شاه خیلی آدم خبیثی بود. می گفت خانم ها بدون روسری و چادر بیان توی خیابون. به نظرت کار خوبی سیبیلو؟ »

سیبیلو یه کمی فکر کرد و گفت: « یعنی چطوری؟ »

براش عجیب بود که مگه شدنی که خانم ها این جور بیان بیرون.

گفتم: « یعنی مامانی همین طوری که توی خونه نشسته الان راه بیفته بره کوچه. »

یهو انگار برق ۳ فاز بهش وصل کرده باشن مثل فنر از جاش بلند شد و رفت سمت در و گفت:

«خب این که زشته، نباید بذاریم مامان بره بیرون»

خندم گرفت که این نیم وجبی غیرتی شده. رفتم پیشش و گفتم: «مامان محاله بدون چادر بره بیرون. شاه هم آدم بدی بود که همچین حرفی می زد.» عمق فاجعه رو گرفته بود. از اونجایی که می دونستم تمام عشقش این هست که هم اسم حضرت امیر هستش ادامه دادم: «شاه می خواست ما شبیه آدم هایی بشیم که حضرت علی رو دوست ندارن، به پیامبر ما احترام نمی دارن، برای امام حسین سینه نمی زنن. ما می ریم راهپیمایی که نشون بدیم از شاه و دوستای بدش مثل آمریکا و انگلیس و اسراییل بدمون میاد و باهاشون دشمنیم.» دیگه اگه شاه و رفقا دم دستش بودن، خونشون با خودشون بود!!

حالا با آدمی که فهمیده بود برای عقیده اش داره میره، راهپیمایی رفتن عالمی داشت. پرچم ایرانی رو که هر سال دستش می گیره برداشتم و رفتیم راهپیمایی. چنان پر قدرت پرچم ایران رو تگون می داد و با مشت گره کرده داد می زد «مرگ بر آمریکا» که چندتا از آدم بزرگای اطرافمون هم به هیجان اومده بودن. توی راهپیمایی همش با خودم فکر می کردم که اگه همه سیبیلوهای سرزمین ما دشمن و واقعیشون رو بشناسن و هدف دشمنی های اون ها رو تشخیص بدن و با مشت های گره کرده و عزم مصمم برای عقیدشون بجنگن دیگه ما غمی نخواهیم داشت.

به امید اون روز . . .

نویسنده: mabadi

کار کوچک، تاثیر زیاد



بین عکسهای راهپیمایی ۲۲ بهمن امسال، عکسی بود از چند جوان که صورتکی بر چهره داشتند از شهید مصطفی احمدی روشن. با خودم به فکر فرو رفتم که چرا خلاقیت این چند جوان را نباید نهاد های فرهنگی کشورمان داشته باشند تا چنین کار ساده ای را بتوان در هر روز از سال در هر شهری تهیه کرد.

همیشه اسباب بازی فروشی های ما پر است از صورتک های مردعنکبوتی و شخصیت هایی کارتونی مثل بن تن. اما گاهی صورتک افراد مشهور هم دیده میشود. مثل فوتبالیستهای معروف یا شخصیت های سیاسی و حتی علمی، مثل انیشتین.

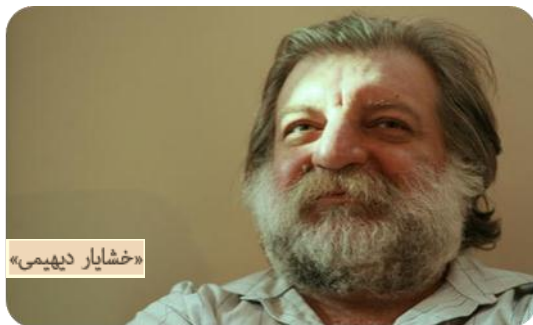
اگر توانایی ساخت اسباب بازی های وطنی نداریم، ساخت ماسک و صورتک شخصیت های معروف که دیگر خیلی آسان است. آن هم از چنین افرادی که هم روحیه خود باوری را در کودک افزایش میدهد و هم الگوی زندگی درست و سخت کوشی در راه علم هستند و هم شهادت طلبی را در انسان تقویت میکنند.

اما از طرفی با خودم گفتم شاید نمیخواهیم چنین افرادی را معرفی کنیم. برای این نخواستنمان هم بهانه می آوریم که مردم نمیخواهند. واقعاً اگر مردم نمیخواستند، پس اینهایی که در عکسها مشخص هستند و صورتک شهدا زده اند، چه کسانی هستند؟

شاید بعضی از مردم هم بودند که با دیدن این صورتکها، دلشان میخواست میداشتند... اما جایی نبود که بتوانند از آنجا تهیه اش کنند و فقط حسرتش بر دلشان ماند. مسئولین فرهنگی نه برای کوتاهی در تولید اسباب بازی، بلکه برای همین حسرت به دل کردن مردم، اگر امروز و فردا بی خیالند اما روزی میرسد که باید پاسخگو باشند. تا رسیدن آن روز، فرصت برای جبران هست.

جریان‌شناسی رسانه‌های فارسی‌زبان (۵) مهرنامه

Mehrnameh.ir		آدرس وب سایت
سال تاسیس	۱۳۸۸	
منابع مالی	نامشخص	
مشی سیاسی	اصلاح طلب	
وابستگی یا تمایل سیاسی	اصلاح طلب ، سید محمد خاتمی ، کروی	
عملکرد در فتنه ۸۸	
مدیر مسئول	فروزنده ادیبی و مهدی شمشیریان	
سردبیر	محمد قوچانی	
عناصر اثر گذار	خشایار دیهیمی ، عزت ا... فولادوند ، مهرزاد بروجردی ، سروش دباغ ، داریوش آشوری ، داریوش شایگان ، تورج اتابکی ، علیرضا میرسپاسی ، همایون کاتوزیان ، جواد طباطبایی ، حاتم قادری و احسان نراقی	
اتفاقات خاص	کلید زدن سناریوی بازگشت اصلاح طلبان به فضای سیاسی کشور	



«خشایار دیهیمی»

تحریریه مهرنامه را برخی روزنامه نگاران «شهروند امروز» ، «ایران دخت» «نافه» ، «اعتماد ملی» و «تجربه» تشکیل می دهند. محسن آرم ، مهدی یزدانی خرم ، مریم باقی ، محمد طاهری ، رضا طهماسبی ، هادی خسروشاهین ، حامد زارع ، متین غقاریان ، مهدی نوروزیان ، ابودر یاقی ، اکبر منتجبی ، سعید شمس ، علیرضا غلامی و رضا تاجیک و ... از اعضای تحریریه این مجله هستند. آخرین محورهای که در مهرنامه دنبال شده است را به این شکل می توان بیان کرد : ترویج و تطهیر غرب و ایجاد تشکیک و یاس و انفعال نسبت به آینده حرکت های اسلامی و انقلاب اسلامی ، اشاعه تفکرات فلسفی و علمی غرب و تجلیل از فلاسفه و دانشمندان علوم انسانی غربی ، توجیه بحران های نظام سرمایه داری (مثل بحران مالی و جنبش وال استریت و ...) به عنوان بحران های عرضی غیرمرتبط با ذات نظام سرمایه داری (و کوشش برای جلوگیری از انفعال بیشتر روشنفکران) ، روشنفکرسازی ، شخصیت سازی ، متفکرسازی ، بالابردن یا بزرگ نمایی برخی از نویسندگان یا صاحب نظران ، تبلیغ کتب جدید ترجمه شده از تفکرات غربی (دامن زدن به نهضت ترجمه جدید) ، انحراف و درگیر کردن اذهان با هر موضوع غیر مرتبط و مغایر با اهداف و آرمان های انقلاب اسلامی و نهضت علمی و الگوی پیشرفت و عدالت .

«مهرنامه» ماهنامه ای است خبری تحلیلی و آموزشی که در زمینه علوم انسانی و علوم اجتماعی منتشر می شود. در ایام فتنه ۸۸ که رهبر انقلاب چندین بار نگرانی خود را از رسوخ مباحث علوم انسانی غربی در دانشگاه ها اعلام داشتند ، محمد قوچانی که از بازداشت شدگان ایام فتنه بود در اولین قدم های بعد از آزادی اش در اسفند ماه ۱۳۸۸ نشریه ای تحت عنوان «مهرنامه» و با محوریت علوم انسانی راه انداخت ، نشریه ای با همان جهت گیری که رهبر انقلاب در آن سال از ترویج و رسوخ آن در دانشگاه ها هشدار داده بودند. در شناسنامه نشریه مهرنامه در وب سایت این نشریه ، علوم انسانی چنین تعریف شده است : «علوم انسانی به آن بخش از دانش مدرن اطلاق می شود که فرهنگ بشری را در عصر جدید ساخته است. در واقع اگر تمدن انسان مدیون علوم طبیعی است و تکنولوژی در جهان جدید نماد دخالت انسان در طبیعت و برساختن تمدن است ، فرهنگ انسان هم مدیون علوم انسانی ست و برآمدن ایدئولوژی نماد تلاش انسان برای ساختن جامعه جدید است. بدین ترتیب علوم انسانی دربرگیرنده دایره گسترده ای از معارف و علوم مانند علوم سیاسی ، علوم اجتماعی ، علوم اقتصادی ، علوم عقلی و علوم دینی است که در مهرنامه بدان خواهیم پرداخت. فلسفه ، تاریخ ، الهیات ، جامعه شناسی ، اقتصاد و سیاست در صورت علمی و نظری خود مضامین اصلی مهرنامه را تشکیل می دهد. در عین حال موضوعاتی درباره رابطه دیگر معارف انسانی با اندیشه و جامعه همچون علوم طبیعی ، ادبیات و هنرها را بررسی می کنیم. مهرنامه در پی آن نیست که به مصادیق بپردازد در واقع به تعبیر فقهی هدف ما صدور فتوا نیست ، تشخیص حکم است. مهرنامه همچنین از هیچ ایدئولوژی سیاسی و اجتماعی جانب داری نمی کند و طرفدار هیچ جناح سیاسی یا فکری نیست.» . مدیرمسئول این نشریه ، فروزنده ادیبی است. قائم مقام مدیر مسئول مهرنامه نیز مهدی شمشیریان است. سردبیر مهرنامه تا شماره سه محمد قوچانی بود که در شماره چهار اسم وی حذف شد و پس از آن سردبیری تحریریه مجله بر عهده رضا خجسته رحیمی قرار گرفت. وی نیز از شماره ۱۰ دیگر با این نشریه همکاری ندارد. محمد قوچانی بار دیگر به مهرنامه بازگشته و سردبیری این ماهنامه را در اختیار گرفته است.



نکته دیگر اینکه راهی که مهرنامه در پیش گرفته، شباهتی بسیار به حلقه کیان دهه هفتاد دارد. حلقه کیان در آن سال ها وظیفه داشت خواص و شخصیت های اثر گذار را با تشریح و تبلیغ علوم انسانی غربی و بصورت خاص لیبرالیسم، به سطحی از آمادگی برساند تا نیروسازی در میان جامعه جریان دوم خرداد را به وجود آورند. کاری که مهرنامه بعد از چندین شماره مطالب تئوریک در ویژه نامه به مناسبت دوم خرداد و در حالیکه یک سال بیشتر به انتخابات ریاست جمهوری



«احسان نراقی»

۹۲ نمانده بود آغاز کرد. ویژه نامه ای تحت عنوان «بازگشت اصلاح طلبان». در این ویژه نامه بسیاری از عناصر فعال دوران اصلاحات قلم زده بودند.

افرادی مانند: علیرضا علوی تبار، هادی خانیکی، غلامحسین کرباسچی، علی ربیعی، محمدرضا تاجیک، ابراهیم اصغرزاده، صادق زیباکلام، سید محمد علی ابطی، احمد پورنجاتی، معصومه ابتکار، زهرا شجاعی، محسن رهامی، علی محمد حاضری و احمد شیرزاد.

جریان سازی مهرنامه پس از گذشت ۳ سال از وقایع ۸۸ نشان از این داشت که اصلاح طلبان طبق پیش بینی ها قصد بازسازی مجدد خود را دارند و

«پرونده بازگشت به دوم خرداد مهرنامه» قطعاً بخش یا به تعبیری همه چیزی ست که اصلاحات با آن درگیر بود. به طور مثال این عقیده محمدرضا تابش یکی از چهره های مهم اصلاحات در مجلس و خواهرزاده سید محمد خاتمی بود: «اصلاح طلبان اهل قهر و تحریم نیستند و به طور حتم اگر زمینه برای حضور آن ها فراهم شود در عرصه سیاسی کشور فعال خواهند شد.

محمدعلی نجفی (عضو شورای شهر تهران، وزیر سابق دولت هاشمی، رئیس سازمان برنامه و بودجه دولت خاتمی و عضو سابق کارگزاران سازندگی) که تصویر وی بر روی جلد ویژه نامه دوم خرداد مهرنامه با عنوان «بازگشت اصلاح طلبان» قرین گشته بود، لب کلام مهرنامه را چنین بیان کرده است: «آنچه ما قبل از دوم خرداد و نیز مقطع انتخابات مجلس پنجم زیر پوست جامعه احساس می کردیم، الان با شدت بیشتری وجود دارد.»

© مرکز پژوهش های خبرگزاری دانشجویان ایران

ارسالی توسط: میم. ز

همچنین تحقیر گفتمان غرب ستیزی و عدالت خواهی و نیز تحقیر تلقی بومی از مردم سالاری و تحقیر گفتمان خودی و غیرخودی و دموکراتیک (غیراسلامی) معرفی کردن حرکت بیداری اسلامی و تلاش برای تثبیت واژه «بهار عربی» به جای «بیداری اسلامی»، حمایت از مدل لائیک ترکیه به عنوان الگوی مطلوب برای کشورهای عربی و تحلیل های منفی نسبت به حکومت سوریه، تلاش برای طرح و ترویج افکار اصلاح طلبان حوزوی و دامن زدن به مباحث و موضوعات خاص، بزرگ نمایی برخی از موضوعات یا عناصر، کوچک نشان دادن برخی از موضوعات یا عناصر دیگر و تلاش برای مدیریت فکر و ذهن خواننده و سوق دادن آن به سمت مورد نظر.

از جمله چهره هایی که در مهرنامه افکار و اندیشه هایشان به عنوان روشنفکران دینی، سکولار و ... تبلیغ می شود می توان به خشایار دیهیمی، عزت ا... فولادوند، مهرداد بروجردی، سروش دباغ، داریوش آشوری، داریوش شایگان تورج اتابکی، علیرضا میرسپاسی، همایون کاتوزیان، جواد طباطبایی، حاتم قادری و احسان نراقی اشاره کرد.



«محمد قوچانی»

قوچانی در مورد مهرنامه این چنین می نویسد که: «مهرنامه» پس از دو سال جای اندیشه های لیبرالی و پراگماتیستی را در روشنفکری ایرانی خالی می بیند و خاضعانه ضمن احترام به نقش روشنفکران دینی در فهم ما از لیبرالیسم و نقش روشنفکران سکولار در فهم ما از مدرنیسم و بدون تأیید همه وجوه لیبرالیسم قصد دارد لیبرالیسم را به معنای علمی خود در اندیشه های سیاسی و بدون توجه به معنای نادرست آن در مجلات و جناح هبندی های سیاسی ایران معاصر طرح، نقد و بررسی کند.»

گرچه در مقام سخن، مهرنامه نشریه ای تئوریک و محل تضارب آرای اندیشمندان، اما در مقام عمل مهرنامه تاب سخن منتقدین خود را نداشته است، از جمله اینکه دکتر کریم مجتهدی، استاد فلسفه غرب دانشگاه تهران جوابیه ای به نقد جواد طباطبائی بر کتاب وی در مهرنامه نوشته بود که با امتناع این نشریه از انتشار جوابیه مواجه شد و آن را در اختیار دیگر رسانه ها قرار داد. اتفاقی که برای کچوئیان نیز قبلاً تکرار شده بود.



کلیپ/ ما همیشه آماده ایم
<http://www.afsaran.ir/link/500897>

کلیپ‌های تصویری

Afsaran.ir/ganjine/3



هیس! بیسوادها حرف نمیزنند
<http://www.afsaran.ir/link/510268>



پویانمایی/ موضوع انشاء
<http://www.afsaran.ir/link/512055>



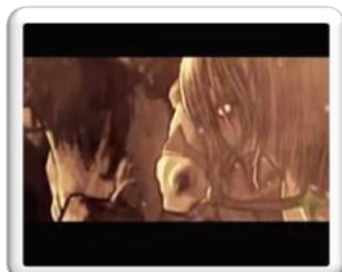
هوا بس ناجوانمردانه سرد است
<http://www.afsaran.ir/link/511367>



پلمب اراده ها ممکن نیست
<http://www.afsaran.ir/link/495577>



کلیپ/ انتقاد ممنوع
<http://www.afsaran.ir/link/493269>



پویانمایی/ ذوالجناح
<http://www.afsaran.ir/link/468440>



کلیپ/ گزینه های روی میز
<http://www.afsaran.ir/link/473448>



تقدیم به علیرضا و آرمیتا
<http://www.afsaran.ir/link/496548>



مستند/ در جستجوی حقیقت
<http://www.afsaran.ir/link/474898>



شیوه مواجهه آیت الله بروجردی با اهل سنت
<http://www.afsaran.ir/link/495832>



تدبیر دولت برای فتنه گران
<http://www.afsaran.ir/link/521291>



کلیپ/ غنیمت خواهان
<http://www.afsaran.ir/link/510499>



سخنان مادر شهید فتنه ۸۸
<http://www.afsaran.ir/link/514893>



تاریخت رو قورت بده میراث دیکتاتور



این اعلان جنگ است!! | مهرآباد را با هواپیما میزنند، سپس به سوی خوزستان لشکر کشی میکنند!

در سال ۱۹۸۸ صدام با شنیدن خبر موفقیت عملیات والفجر ۱۰ و تصرف حلبچه و بخش هایی از استان سلیمانیه توسط رزمندگان ایران و استقبال مردم حلبچه با غذا و کیک و شیرینی از آنها گویی روانی و غیر قابل کنترل میشود و دستور قتل عام و بمباران شیمیایی حلبچه را صادر میکند!

حلبچه از شهرهای سلیمانیه عراق است. شهر کوچکی در نزدیکی مرزهای ایران و شمال شرقی بغداد با مردمانی سنی مذهب و کرد که به گویش سورانی و هورانی تکلم میکنند. | ۲۶ اسفند ۶۶ (۱۶ مارس ۱۹۸۸) ۵۰ فروند هواپیمای ویژه ارتش عراق که هر یک به ۴ عدد بمب شیمیایی ۵۰۰ کیلوگرمی مجهز بودند در افق غرب آسمان حلبچه ظاهر شدند و با ریختن ۲۰۰ بمب حاوی مواد شیمیایی، دست به کشتار مردم این منطقه کردند. کشتار و بمباران حلبچه در واقع بخشی از عملیات بزرگ «الانفال» بود که هدفش کشتار و کوچاندن کردهای عراق بود و در طی آن بیش از ۳ هزار روستا بکلی نابود و ۱۸۲ هزار غیر نظامی از جمله کودکان و زنان و سالخوردگان نیز کشته و یا زنده به گور شدند. | درحمله شیمیایی به حلبچه که با دستور صدام و توسط علی حسن المجید که معروف بود به علی شیمیایی انجام شد پنج هزار نفر کشته و نزدیک ۱۰ هزار نفر زخمی شدند که اکثر آنها غیرنظامیان بودند؛ صدها تن دیگر نیز بر اثر عواقب، بیماری‌ها و نقص جسم در هنگام تولد در سال‌ها پس از حمله کشته شدند!

۳۱ شهریور ۱۳۵۹ (۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰) یکی از طولانی ترین و فرسایشی ترین جنگ های تاریخ با چراغ سبز و حمایت پشت پرده آمریکا و چند کشور غربی و جاه طلبی های بی پایان و حماقت های صدام حسین بر مردم ایران تحمیل می شود. اما مقابله با ایران قبل از شروع حمله صدام و از همان آغازین روزهای پیروزی انقلاب با حمایت هایی که از گروه های جدایی طلب و معاند برای درگیری مسلحانه با نظام ایران شده بود شکل رسمی به خود گرفته بود. | سازمان منافقین، حزب دموکرات کردستان ایران، کومله و

ایالات متحده معتقد بود با آغاز این جنگ و حمله صدام به ایران علاوه بر اینکه به اهداف مورد نظر خود در مورد ایران دست خواهد یافت از قدرت گرفتن بیش از حد عراق و همچنین گسترش تفکرات پان عربیستی و اعمال رادیکالی در منطقه جلوگیری خواهد کرد که هر دو این ها موجودیت اسرائیل و منافع آمریکا در منطقه نفت خیز غرب آسیا (خاور میانه) را تهدید میکرد. چه چیزی بهتر از آنکه دو قدرت در حال ظهور وارد جنگی فرسایشی با یکدیگر شوند. صدام در طی دوران زمامداری خود حمایت های مالی بسیاری از مبارزین فلسطینی انجام داد. ارتباط صدام با رژیم اسرائیل و هم چنین ارتباط صدام با برخی گروه های مبارز فلسطینی خود محل بحث مفصلی ست که مجال پرداختن به آن در این نوشتار فراهم نیست!

جامعه ی جهانی سه عزیز، ما را به خیر تو امید ی نیست، وجدانا آدم باش وحدافل شر مرسان!!

میشود. ابعاد این حادثه به قدری وسیع است که به آسانی قابل چشم پوشی نیست اما غرب همچنان سکوت اختیار کرده است
حماقت بعدی صدام به قدری جنون آمیز و وحشیانه است که دیگر قابل ماست مالی کردن نیست. اینبار صدام مردم خودش را با بمب های شیمیایی، شیمیایی کرده است. رسانه ها نقش فعال تری ایفا میکنند، دیگر طرف مورد ستم واقع شده مردم ایران نیستند که به آسانی قابل چشم پوشی باشند. انتشار عکس های این جنایت و گزارش های رسانه ای و درخواست ایران از سازمان ملل برای تحقیق درباره حادثه سبب صدور قطعنامه ۳۷۳/۴۲ میشود که در بندهای ۴، ۵، ۶ و ۷ به صراحت از دبیرکل خواسته شده بود تا در پاسخ به گزارش هایی که ممکن است از سوی هر یک از کشورهای عضو درباره نقض پروتکل ۱۹۲۵ ژنو یا استفاده احتمالی از سلاح های شیمیایی، میکروبی یا سمی دریافت دارد، بلافاصله کارشناسانی را برای تحقیق اعزام و نتایج را گزارش کند. در بیانیه «خاور پز دکویار» دبیرکل سازمان ملل در ۲۸ مارس ۱۹۸۸ آمده است که: «با تأسف، شواهد بسیاری درخصوص کاربرد سلاح شیمیایی در چند روز گذشته از طرف نیروهای عراقی در دست دارد که ضایعات فراوانی از جمله به شهروندان هر دو کشور ایران عراق وارد شده است». | با وجود اینکه این بار هم اقدام عملی برای متوقف کردن صدام و ترمیم حیثیت از دست رفته سازمان ملل نمیشود اما حداقل عراق را بعنوان طرف مقصر این جنایت معرفی کرده اند.

بمباران شیمیایی سردشت توسط صدام در ششم یا هفتم تیر ۱۳۶۶ (که اکثر جمعیت آن کرد بودند) و همچنین ۳۷۸ مورد بمباران شیمیایی دیگر که بر علیه رزمندگان ایرانی و در بسیاری از موارد شهروندان غیرنظامی انجام میگرفت، در طی مدت زمان ۸ ساله جنگ هزاران قربانی بر جای گذاشت.

واکنش سازمان ملل و کشورهای قاره ی دووور در قبال این حملات و نقض آشکار توافقات بین المللی همچون ژنو که چنین اقداماتی را منع میکرد چه بود؟؟ عملا هیچ!!
هرچه از جنگ می گذشت و جنگی که صدام تصمیم به پیروز یک هفته ای در آن داشت مدت زمان بیشتری به درازا میکشید تعداد و شدت حملات شیمیایی صدام علیه ایران افزایش میافت. در این میان سازمان ملل تنها در ۱۹۸۴ تا ۱۹۸۸ بود که بازرسی هایی برای بررسی صحت ادعاهای مطرح شده در مورد استفاده از تسلیحات شیمیایی انجام داد. ۷ مورد بازرسی که تنها یک مورد از آن به بازدید از مجروحان شیمیایی ایران در بیمارستان های ۳ کشور اروپایی آلمان و انگلیس و بلژیک اختصاص داشت و ۶ تیم دیگر نیز به بازرسی مناطق جنگی پرداختند. در این مدت شورای امنیت تنها به صدور ۴ بیانیه و ۲ قطعنامه غیر الزام آور که در آنها اشاره ای هم به جنایت علیه بشریت توسط عراق نشده بود بسنده کرد. گویی تا زمانی که عراق مرتکب حماقت بزرگتری نشود حمایت بی چون و چرا از دشمن دشمن قدرت های سلطه گر بین المللی اولویت اول سازمان ملل متحد است. | سردشت بمباران



جنایتکار پس از سال ها در جنگ قانون !!! | علی حسن المجید (پسرعموی صدام) ، معروف به علی شیمیایی

آقایان خودشان این سلاح ها را به ما داده اند ولی اکنون میگویند نمیدانستیم و مدعی حقوق بشر شده اند!

نظامی آمریکا با استفاده از تصاویر ماهواره‌ای، آماده شدن عراق برای حمله را پیگیری می‌کرد. این تصاویر جایگاهی سلاح‌های شیمیایی توسط عراقی‌ها به سمت توپخانه‌های مقابل ارتش ایران پیش از هر حمله را نشان می‌دادند.

در یکی از اسناد سیا در نوامبر ۱۹۸۳ آمده است: «با ادامه یافتن حملات عراق این احتمال وجود دارد که ایران یکی از پوسته‌های سلاح خردل عراقی را با علائم نوشته شده بر روی آن هم دست بیاورد. تهران چنین مدرکی را به سازمان ملل خواهد برد و آمریکا را به جرم همکاری در نقض قوانین بین‌المللی محکوم خواهد کرد.» | در یکی دیگر از اسناد سیا آمده است که استفاده از عوامل عصبی در سلاح‌ها «می‌تواند نقش بسزایی در تاکتیک‌های استفاده از نیروهای بی‌شمار توسط ایران بگذارد و ایران را مجبور کند تا از این استراتژی‌اش منصرف شود.»

طارق عزیز در سال ۱۳۶۷ ضمن اعتراف به استفاده از سلاح شیمیایی در جنگ با ایران با اشاره به استفاده از جنگ‌افزارهای شیمیایی از کشورهای اروپایی انتقاد میکند و می‌گوید: « کشورهای اروپایی خود سلاح‌های شیمیایی در اختیار کشورهای جهان سوم قرار می‌دهند، اما هنگام استفاده از سلاح‌ها برای قربانیان آن اشک تمساح می‌ریزند»
در همین راستا « فارین پالسی » اخیرا با بررسی اسناد منتشر شده توسط سیا که از طبقه بندی خارج شده بودند و همچنین مصاحبه افرادی همچون «ریک فرانکونا» سرهنگ بازنشسته نیروی هوایی ایالات متحده که در زمان حملات سال ۱۹۸۸ وابسته نظامی آمریکا در بغداد بود مقاله ای منتشر کرده است که به نقش و اشراف ایالات متحده در قضیه استفاده صدام از سلاح های شیمیایی میپردازد. در بخشی از این مقاله از زبان ریک فرانکونا میخوانیم که : «عراقی‌ها هرگز به ما نگفتند که قصد استفاده از گازهای شیمیایی را دارند، چون خودمان از قبل این را می‌دانستیم. در آن زمان دفتر وابسته



گازهای سمی بکار رفته توسط صدام: گاز خردل ، سارین ، تابون و وی اکس

"کریستین گاسدن" استاد دانشگاه لیورپول تحقیقاتی درباره سابقه استفاده صدام از سلاح های شیمیایی انجام داده است.
"صدام حسین از سال ۱۹۸۴ به بعد بطور گسترده از تابون استفاده می کرد، اما این ماده گران بود و پیدا کردن مواد لازم برای ساخت آن هم سخت بود؛ او بعدها بیشتر به سراغ گاز وی اکس رفت که قدرت و دوام بیشتری داشت. او در سال ۱۹۸۸ حدود ۴ تن از این گاز را در اختیار داشت، اما ماده شیمیایی که در حجم وسیع تری در دسترس او قرار داشت، گاز ساردن بود؛ صدام حسین به گاز خردل هم علاقه داشت، چرا که این گاز اثرات درازمدتی نظیر کوری، انواع سرطان، نابروزی و نقص عضوهای پیش از تولد داشت. «
« فرانس فان آترات « دلال هلندی تجهیزات شیمیایی نقش مهمی در تامین مواد اولیه و تجهیزات مورد نیاز عراق داشت او در سال ۲۰۰۴ و پس از حمله نیروهای ائتلاف به عراق بازداشت شد و تحت پیگرد قانونی قرار گرفت. اون متهم بود به اینکه حتی پس از وضع ممنوعیت صدور مواد شیمیایی به رژیم سابق عراق در سال ۱۹۸۴ همچنان به صدور مواد قابل استفاده در ساخت تسلیحات شیمیایی به آن کشور ادامه داده است.

تولیدکنندگان سلاح شیمیایی

در مجموع در جنگ هشت ساله ایران و عراق بدون محاسبه تعداد قربانیانی که بعدها در اثر اثرات بر جای مانده از بمباران های شیمیایی این برهه از زمان جان خود را از دست دادند در مجموع بیش از ۵۰ هزار نفر در حملات شیمیایی صدام به خاک ایران کشته و زخمی شدند.

« هامیش دی برتون گوردون» کارشناس سلاح های شیمیایی در مصاحبه ای با بی بی سی درباره مواد شیمیایی باقی مانده در حلبچه میگوید:
« آزمایشاتی که انجام شد مشخص کرد که همچنان مقادیری گازهای سمی در انبارها و بخش هایی از این شهر باقی ست که هنگام انجام عملیات های ساختمانی و مشابه آن آزاد میشه. چند نفر هم بر اثر همین اتفاق جان خودشون رو از دست دادند!» | گویی صدام حتی بعد از مرگ نیز دست بردار مردم عراق نیست!

اطلاعات موجود نشان می‌دهد که بیشتر بمب های شیمیایی عراق ساخت اتحاد شوروی سابق بوده‌اند و همچنین ۸۵ شرکت آلمانی (به نقلی ۱۵۰ شرکت)، ۱۹ شرکت فرانسوی، ۱۸ شرکت بریتانیایی و ۱۸ شرکت آمریکایی در ساخت و تامین مواد اولیه و تجهیزات ساخت سلاح های شیمیایی در عراق نقش داشته اند | دولت عراق توان بومی گسترده‌ای برای ساخت سلاح داشت.

از سال ۱۳۹۰ یا ۹۱ گاوریل می رونی ، وکیل آمریکایی و بنیانگذار موسسه حقوقی ام ام وکالت تعدادی از قربانیان حلبچه را بر عهده گرفت . وی در مصاحبه ای با بی بی سی درباره این موضوع میگوید : « مولکان من میخواهند کرامت از دست رفته خود را بدست بیاورند و راه حل آن هم برقراری عدالت است. موکلین من خواهان عذرخواهی و پرداخت خسارت تحمیل شده توسط این کمپانی ها و دولت هایی هستند که در این موضوع با کشور عراق همکاری کردند.»



منابع:

مرکز اسناد انقلاب اسلامی
پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس
دانشنامه ویکی پدیا
حلبچه؛ قربانی تسلیحات شیمیایی . ارسالن مرشدی

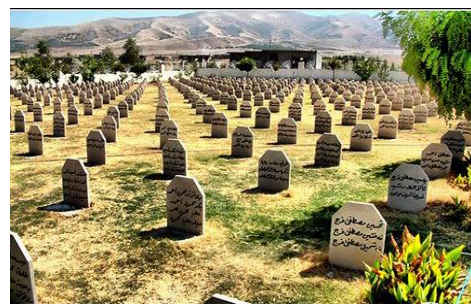
نویسنده: © میهمز

ویدئوهای مرتبط:

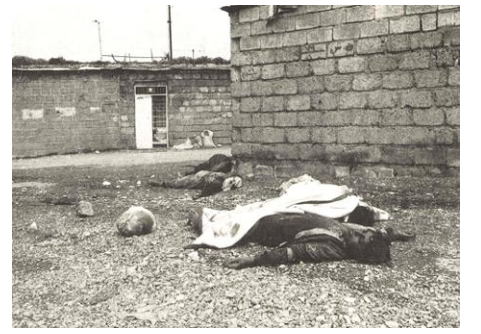
آواره شدن میلیون ها کرد پس از شکست صدام در جنگ خلیج فارس!
<http://www.afsaran.ir/link/525529>

تنها فیلم موجود از فاجعه ی تخریب حرم امام حسین توسط صدام!
<http://www.afsaran.ir/link/525572>

تصاویری از جنایت حلبچه



تصاویری از جنایت حلبچه





اربعین خون

اینجا تبریز است. ۴۰ روز از فاجعه خونین قم گذشته. در شهرهای مختلف مردم می خواهند به یاد شهدای ۱۹ دی قم، مجالس ختم برگزار کنند. خورشید یکشنبه ۲۹ بهمن ۱۳۵۶ تازه طلوع کرده. مردم دسته دسته و گروه گروه، به دعوت آیت الله سید محمد علی قاضی طباطبایی و ۱۰ تن از علمای تراز اول تبریز، به سمت مسجد قزلی (میرزا آقا یوسف مجتهدی) حرکت می کنند تا در مراسم چهلم شهدای قم شرکت کنند. دانشجویان کلاس های درس را تعطیل کرده و بازاریان و اصناف هم به آن ها پیوسته اند.

سرگرد مقصود حق شناس، رئیس کلاتری بازار از جریان خیردار شده و به همراه مأموران سر می رسند. تجمع مردم را می بینند و می خواهند آن ها را متفرق کنند. خادم مسجد بی توجه به اقدام مأمورین، قصد باز کردن درب مسجد را دارد. همان لحظه صدای حق شناس با لحن تند و زشتش به گوش جمعیت می رسد که می گوید: «مگر نگفتم در این طولیه را ببندید؟!»

مردم از توهین او عصبانی می شوند و جوانی از میان جمعیت، پاره آجری بر می دارد و به سوی حق شناس پرتاب می کند. نام جوان "محمد تجلّا" است. دانشجوی ۲۲ ساله اردبیلی که در سال سوم رشته مهندسی دانشگاه تبریز درس می خواند.

حق شناس فوراً اسلحه کمری اش را بیرون می کشد و سینه محمد را نشانه می گیرد. محمد تجلّا به شهادت می رسد. مردم از دیدن این صحنه عصبانی تر می شوند. بلافاصله پیکر او را به دوش کشیده و با شعارهای "الله اکبر"، "خمینی رهبر" و "کشند جوانان وطن، الله اکبر" به طرف خیابان های شهر به حرکت در می آیند. در طول راه به جمعیت افزوده شده و بالاخره به همین شکل قیام گسترده تبریز شکل می گیرد و کم کم شهر در کنترل تظاهرات کنندگان در می آید. "یحیی لبقوانی" رئیس ساواک تبریز فوری با تهران تماس گرفته و دستور سرکوب مردم را می گیرد. حالا نیروهای ارتش، ژاندارمری و یگان های نظامی با ادوات جنگی در شهر مستقر شده، مردم را مورد هدف گلوله و رگبار مسلسل هایشان قرار می دهند.

فقط در عرض چند ساعت تبریز شبیه شهرهای جنگ زده شده و خیابان هایش از خون دانشجویان، بازاری ها، جوانان و مردان و زنان سرخ می شود. بالاخره حدود ساعت ۵ بعد از ظهر بود که نیروهای نظامی توانستند دوباره بر شهر مسلط شوند. ساواک بلافاصله آماری را اعلام می کند: «۵۸۱ نفر دستگیر، ۹ نفر کشته، ۱۱۸ نفر زخمی، ۳ دستگاه تانک، ۲ سینما، یک هتل، کاخ جوانان، حزب رستاخیز و تعدادی اتومبیل شخصی و دولتی به آتش کشیده شده است». البته چند روز بعد تعداد کشته ها به ۱۳ نفر هم می رسد.

کشتار مردم تبریز؛ شاه را که به نظر خودش توانسته بود پرده ای ضخیم بر روی فاجعه خونین قم بکشد، غافلگیر می کند. برای اینکه آذهان عمومی را منحرف کند، بلافاصله فرمان صادر می کند تا مأمورین خطاکار حوادث خونین تبریز مجازات شوند. بعد هم در مصاحبه ای که با خبرنگار بی بی سی داشت، می گوید: «شورش های قم و تبریز نتیجه اتحاد نامقدس بین کمونیست ها و اشخاص بسیار مرتجع است».

اما با همه این ها، شعارها همچنان در کوچه و برزن هر شهر "مرگ بر شاه" است و هر چه عمال کثیف می کوشند تا جنایات را در مرکز اصلی منحرف و به دولت یا مأمورین متوجه کنند، کسی نیست که باور کند.

امام خمینی (ره) هم به مناسبت این فاجعه پیامی سرشار از تسلی و امید به مردم آذربایجان ارسال کردند که بخشی از آن به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم

سلام بر اهالی شجاع و متدین آذربایجان عزیز. درود بر مردان برومند و جوانان غیرتمند تبریز. درود بر مردانی که در مقابل دودمان بسیار خطرناک پهلوی قیام کردند و با فریاد «مرگ بر شاه» خط بطلان بر گزافه گویی های او کشیدند. زنده باشند مردم مجاهد عزیز تبریز که با نهضت عظیم خود، مشت محکم بر دهان یاهو گویانی زدند که با بوقهای تبلیغاتی، انقلاب خونین استعمار را که ملت شریف ایران با آن صددرصد مخالف است، انقلاب سفید شاه و ملت می نامند و این نوکر اجانب و خود باخته مستعمرین را نجات دهنده ملت می شمارند.

مردکی نجات دهنده کشور است که مخازن بزرگ ثروت این ملت مظلوم را دو دستی تقدیم اجانب نموده و آن پول ناچیز را که می گیرد تقدیم می کند و در مقابل آهن پاره هایی می گیرد که هیچ دردی از ملت دوا نمی کند!! آن شخصی نجات دهنده است که با مصونیت دادن اتباع اجانب، کشور را از حیثیت ساقط و به شکل مستعمره عقب افتاده در آورده است!!

مردکی حافظ آزادی ملت است که در سرتاسر کشور، احدی را حق یک کلمه حقوقی و انتقاد نمی دهد و پلیس ننگینش بر سر این ملت مظلوم سایه افکنده!! شاهی عدالت گستر است که در هر چند گاهی با قتل عام، ملتی را به عزا می نشاند!! من نمی دانم با چه زبانی به اهالی محترم تبریز و به مادران داغ دیده و پدران مصیبت کشیده تسلیت بگویم، با چه بیان این قتل عام های بی در پی را محکوم کنم...

خاطره ی بسیار اسف انگیز قم هنوز ما در را در رنج داشت که فاجعه ی بسیار ناگوار تبریز پیش آمد که هر مسلمی را رنج داد و ما را به سوگ نشاند. من به شما اهالی معظم آذربایجان نوید می دهم، نوید پیروزی نهایی... تاریخ ایران به یاد ندارد این چنین سفاکی و قتل عام بی در پی را که به دست این یافی سفاک انجام می گیرد.

تاریخ مشروطیت به یاد ندارد این چنین مجلس سنا و شورا را که اهالی محترم متدین آذربایجان را مشتى اوباش و بی دین معرفی کند. از مجلسی که دست نشانده شاه است، بیش از این توقع نیست. اکنون بعد از آن همه کشتار و جنایات تبریز و آن همه خونخواری های شاه، مشتى سازمانی را با کارگران مجبور با سرنیزه در گوشه کنار کشور به راه انداخته و با عریده کشیدن و به نفع دستگاه جنایت و خیانت، تظاهرات به راه انداختن می خواهند لکه های ننگ را از سر و صورت این مستبد خونخوار شستشو کنند، غافل از آن که با آب زمزم و کوثر هم محو نخواهد شد. تاریخ، رنجهای ملت و ستمکاری و جنایات این پدر و پسر را ضبط کرده و در فرصتی منتشر خواهد کرد.

من اکنون که مشغول نوشتن این «غمنامه» هستم، نمی دانم که به برادران عزیز تبریزی ما چه می گذرد...

با خواست خداوند قهار، اکنون در تمام کشور صدهای ضدشاهی و ضد رژیم بلند است و بلندتر خواهد شد و پرچم اسلام بر دوش روحانیون ارجمند برای انتقام از این ضحاک زمان به اهتزاز خواهد در آمد و ملت اسلام یکدل و یک جهت به پاس از مکتب حیاتبخش قرآن، آثار این رژیم ضد اسلامی و مروج زشتی را محو خواهد کرد. ..! اَلَيْسَ الصَّيْحَ بِقَرِيبٍ...

حمله بیرحمانه رژیم ظلم به مردم مظلوم تبریز، گرچه بسیار تلخ؛ ولی هیچ نتیجه ای جز گسترش دامنه نهضت امام خمینی (ره) و سرعت بخشیدن به پیروزی انقلاب اسلامی نداشت. زیرا که کمتر از یکسال بعد انقلاب به ثمر رسید.

یاد و خاطره شهدای انقلاب، به خصوص شهدای قیام تبریز گرامی باد.

نویسنده : hamidehvb

تصاویر فاجعه ۲۹ بهمن تبریز



ارسالی توسط:
afsarejavan

سید جمال الدین اسدآبادی



سیدجمال الدین اسدآبادی در شعبان ۱۲۵۴ در شهر همدان به دنیا آمد که ساکن محله سیدان اسدآباد بودند. از سن ۵سالگی با قرآن انس گرفته است و برای ادامه تحصیل به قزوین می رود و پس از مدت ۲سال کسب علم ، به خدمت اقا سید صادق عالم می رسد و توسط ایشان ملبس به لباس روحانیت می شوند.

پس از ۴سال اقامت در عتبات ، نجف را به مقصد هند برای کسب علوم اروپایی ترک می کند.

در سن ۱۹ سالگی به مکه مشرف می شود و پس از آن عازم ایران می شود و از خراسان به کابل می رود و پس از آن مجدداً به هند باز می گردد و پس از مدت کوتاهی از آن جا اخراج می شود.

سپس وارد مصر می شود و در دانشگاه الازهر مصر کرسی تدریس را به دست می گیرد. در این بین یک کشیش مسیحی به دست او مسلمان می شود و پس از آن به فاصله ۶۰ روز از مصر اخراج می شود.

پس از ۲سال مجدداً وارد مصر می شود و در حزب ماسون نفوذ می کند و بعد کتابی علیه ماسون ها می نویسد که سبب اخراج مجدد وی از مصر می شود.

او سفرهایی به کشورهای اروپایی و آمریکا می کند، چرچیل از او دعوت می کند که به لندن برود تا از او سو استفاده سیاسی کند اما موفق نمی شود.

سید جمال از لندن به ایران باز می گردد. با دیدن اوضاع ایران به فساد موجود اعتراض میکند، او ماجرای امتیاز تنباکو را به مرجع وقت ایت الله شیرازی اطلاع می دهد که منجر به فتوای تحریم تنباکو می گردد.

سرانجام به دستور شاه وقت ، درحالی که بیمار بود از ایران خارج می شود . او را در ترکیه مسموم می کنند و به شهادت میرسد . مزار او در قبرستان چکابه ترکیه است .

سید جمال در طول ۶۰ سال عمر خود را برای مبارزه با استکبار ، استعمار و خودکامگی گذاشت و برای رسیدن به هدف ، خود را به علوم جدید مجهز کرد.

او مقصر را خود مسلمان می دانست و به این ایه استنباط می کرد:

إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ ۗ ۱۱/رعد

هدف اصلی سید جمال الدین اسدآبادی ، وحدت بین مسلمین بوده که از جمله فعالیت های ایشان : به فراموشی سپردن مایه های اصلی اختلاف و موارد نزاع بین مسلمانان و طرح مبارزه با استعمار و استبداد و تلاش در احیای اسلام و عزت مسلمین ، انتقال نظرات کلیدی شیعه به علمای اهل سنت و انتقال به حوزه های فعالیت خود همچون الازهر، مبارزه با روحیه ی گوشه نشینی و تسلیم ، بازگشت به منابع اصیل اندیشه اسلامی ، تلاش برای گسترش حضور روحانیت به مبارزات سیاسی و برداشتن موانع بین سیاست و دیانت.

«روزی بود که امت اسلام امیدی به آینده نداشت؛ متفکران جهان اسلام می نشستند و برای روز سیاه مسلمانان مرثیه سرائی می کردند. آثار ادبی مسلمانان برجسته و پیشرو امثال سیدجمال الدین و دیگران را در صد سال گذشته ببینید؛ نخبگانی از دنیای اسلام که دلهای شان بیدار شده بود، وضع مسلمانان را می دیدند و حقیقتاً برای مسلمانان ها مرثیه سرائی می کردند».

امام خامنه ای در دیدار بامسولان نظام به مناسبت عید فطر ۸۷/۷/۱۰

برجسته از بهشت نهرانی

اگر انسان کامل، بخواهد به شکل مکتوب درآید، صورتش می شود قرآن کریم همانگونه که امیرالمؤمنین امام علی علیه السلام قرآن ناطق بودند حال اگر این قرآن قرائتش و تفکر در آیاتش قلوب ما را متحول نمی کند، شک نکید که زیارت انسان کامل، حضرت حجت هر قلوب ما را متحول نخواهد کرد! اگر می خواهید حال خود را هنگام ملاقات حضرت حجت بدانید ببینید الان در ملاقات با قرآن چه حالی دارید؟! اگر مشتاق قرآنی می توانید امیدوار باشید که مشتاق حضرت حجت حقیقی هم هستید و گرنه اگر قرآن نزد شما مهجور است و با آن انسی ندارید و فکری کنید که مشتاق حضرت حجت هستید، آن شخص امام زمان، زاده و هم و خیال خودتان است.

آیت الله مجتبی نهرانی رحمه الله علیه





وصیت نامه «فرمانده عملیات نیروی قدس» پیش از اعزام به اروپا



آن چه خواهید خواند، آخرین وصیت نامه ی «فرمانده ی عملیات نیروی قدس» است که پیش از حرکت به قلب اروپا، به رشته ی تحریر درآمده است.

«اکبر آقابابایی» به تاریخ چهارم فروردین ماه ۱۳۴۰ در اصفهان متولد شد. وی پس از پیروزی انقلاب اسلامی به سپاه پاسداران پیوست و تا پایان سال های دفاع مقدس، تا جایگاه «قائم مقام فرماندهی لشکر ۱۴ امام حسین(صلوات الله علیه)» ارتقاء مقام یافت.

اکبر آقابابایی از جمله رزمندگان گانی بود که در عملیات انهدام پالایشگاه «کرکوک» شخصا حضور داشت. آن سردار عزیز، در سوم شهریور ماه ۱۳۷۵ پس از سال ها تحمل آثار ناشی از استنشاق گاز خردل، بال در بال ملانک گشود و پیکر تکیده و رنج کشیده اش، در کنار همزمانش، «حسین خرازی» و «مصطفی ردانی پور» در گلزار شهدای اصفهان به خاک سپرده شد.

حاج اکبر در زمان شهادت، فرماندهی عملیات «نیروی قدس» را بر عهده داشت.

آن چه خواهید خواند، آخرین وصیت نامه ی شهید «اکبر آقابابایی» است که پیش از حرکت به سرزمین جنگ زده و در خون طییده ی «بوسنی و هرزگوین» در قلب اروپا، به رشته ی تحریر درآمده است:

بسم الله الرحمن الرحيم

والذین جاهدوا فینا لنهدينهم سبیلنا

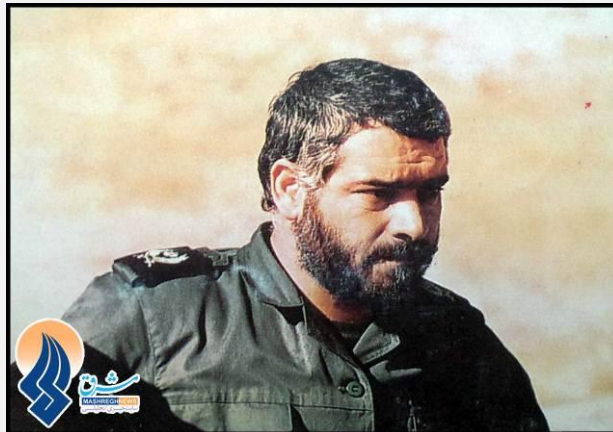
شهادت می دهم به وحدانیت خداوند باری تعالی که همه ی هستی از او است و شریکی ندارد.

شهادت می دهم که محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) رسول خدا و امین حق است و خاتم انبیاء الهی است.

شهادت می دهم علی(صلوات الله علیه) و اولاد او، امام بر حق و جانشینان رسول اکرمند.

شهادت می دهم، راه امام خمینی، راه اسلام ناب محمدی(صلی الله علیه و آله) و ادامه ی راه حسین(صلوات الله علیه) بوده و جانشین برحق او، حضرت آیت الله العظمی خامنه ای، ولی امر مسلمین می باشد.

خداوند باری تعالی را شاکرم که این حقیر سراپا تقصیر را هدایت فرموده و در مسیر این راه حق و اسلام عزیز قرار داد که اگر هدایت و رحمت او نبود بنده ای ضعیف چون من به ورطه هلاکت می افتاد.



این وصیت را در حالی می نویسم که عازم ماموریتی هستم به منطقه ای که اسلام عزیز سال ها در غربت بسر برده است و برای رشد آن نیاز به جهاد و شهادت است. از او که صاحب مرگ و حیات است خواستارم این حقیر گنه کار را به لطف و مرحمت خود بخشیده و شهادت که فخر اولیای الهی است را نصیبم گرداند. این جانب «اکبر آقابابایی» فرزند «حسینعلی» به خانواده و دوستان عزیزم سفارش می کنم دست از اسلام عزیز برنداشته و اسلام عزیز را که سال ها در غربت بوده یاری کنند و از ولایت تا پای جان دفاع نمایند و بدانند که اسلام بدون ولایت، یعنی اسلام بدون علی در هر زمان عزیزانم! بدانید که دفاع از ولایت فقیه و مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه ای، دفاع از علی (ع) و فرزندان اوست و این محقق نمی شود جز با تلاشی صادقانه در اجرای اوامر بر حق ایشان.

عیزانم! بدانید که دشمنان قسم خورده انقلاب وقتی مایوس می شوند که بدانند شما مردانه در پشت سر رهبر و قائد خود ایستاده اید و از او پیروی می کنید. عزیزانم! بدانید دشمنان اسلام با بهره گیری از زر و زور در پی آنند که شما را از گذشته درخشان خود مایوس سازند و شما را به سمت دنیای پر از نیرنگ خود کشانده و از مسیر حق جدا سازند و برده ی خود نمایند به همین جهت است که شما باید کاملا هوشیار باشید و فریب دنیای آن ها را نخورید و بدانید که همه دنیا فانی است و آن چه باقی می ماند اعمال نیک و کارهای صواب شماست.

مجاهدین و رزمندگان عزیز که سال های جنگ را در رکاب رهبر و پیشوای خود حضرت امام خمینی کبیر مجاهدت نمودید! بدانید که شیطان از هر سو در کمین است، تا ما رامتحرف نماید، بنابراین مراقب باشید و جهاد در راه خداوند را در هر زمان و مکان فراموش نفرموده، شهادت را در آغوش کشید و این انقلاب را به دست صاحب اصلی اش امام زمان (عج) بسپارید.

در پایان از همه عزیزان و از رهبر عزیزم طلب بخشش دارم، امیدوارم از خطاهای این حقیر درگذرید.

والسلام

اکبر آقابابایی

۴/۲/۷۴

کلیپ‌های صوتی



کار در ۲۲ بهمن به پایان نمی رسد ...
movahhedi زمان : ۰۰:۰۴:۱۷
<http://www.afsaran.ir/link/519958>



معرفت جانی و جهانی
spring3shout زمان : ۰۰:۱۱:۰۹
<http://www.afsaran.ir/link/509618>



آیا امام خامنه ای یک کلکسیونر هستند؟
radiomighat زمان : ۰۰:۰۲:۲۵
<http://www.afsaran.ir/link/519997>



کو آب و برق مفتی؟! (آیا امام خمینی (ره) همچین وعده ای به مردم داده بودند؟)
radiomighat زمان : ۰۰:۰۳:۳۶
<http://www.afsaran.ir/link/519939>



من تو دهن این دولت می زنم!
movahhedi زمان : ۰۰:۰۴:۳۹
<http://www.afsaran.ir/link/505066>



امام خامنه ای: چقدر من حرص خوردم برای تولید اسباب بازی معنی دار
mrezaghiasi زمان : ۰۰:۰۳:۳۴
<http://www.afsaran.ir/link/510366>



شاه و فرح فقط نگران عکاسشون بودن! تو اون ۳۸۴ تا چمدون چی بوده؟
radiomighat زمان : ۰۰:۱۱:۵۰
<http://www.afsaran.ir/link/520256>



آس: فاش کردن یکی از رمزها و کلکهای شیطان
radiomighat زمان : ۰۰:۰۱:۳۳
<http://www.afsaran.ir/link/519924>



کدام آخوندها مرجع شدند!
radiomighat زمان : ۰۰:۰۳:۰۰
<http://www.afsaran.ir/link/519891>





قناعت کن ای نفس بر اندکی که سلطان و درویش بینی یکی

بی نیازی عین ثروت است. اگر خروار خروار طلا و جواهر داشته باشید و باز محتاج باشید به پول بیشتر و حرص و جوشش را بزنید که همه اش به ارزنی هم نمی آرد. آدم قانع به جویی هم سیر می شود ولی آدم حریص سیری ندارد. از آنجا که وجود روحیه قناعت پیشگی در بین مردم جامعه، موجب ایجاد آرامش درونی برای مردم و در نتیجه جامعه خواهد شد و جامعه را از شر برخی رذایل اخلاقی در امان خواهد داشت، اگر وجود روحیه قناعت در جامعه، همین یک هنر رسیدن آدمی به آرامش را داشته باشد، در صورت دستیابی به آن شکی باقی نمی ماند. جز از او نخواهید و جز به او محتاج نباشید. پس هر آن چه خدا داده است ما را راضی و خوشحال خواهد کرد. (از گلستان و بوستان شیخ اجل سعدی)

متاسفانه خیلی از افراد هستند که حتی معنی قناعت را نمی دانند. شخصی از عالمی سوال کرد و پرسیدند که، من پیراهن های مختلفی دارم و به نحوه پوشش و لوازم خود بسیار اهمیت می دهم و در نگهداری آن ها دقت زیاد دارم آیا این عمل و طرز فکر من اشتباه و اسراف محسوب می شود یا نه؟ ایشان فرمود خیر اسراف نیست. مهم این است که ما طرز استفاده صحیح از این ها و تمامی نعمت های خداوند را بدانیم، یعنی با رعایت نظم قناعت کردن را در خود پرورش دهیم.

در حقیقت قناعت رابطه زیادی با عدالت دارد، عدالت یعنی قرار دادن هر چیزی در جای خودش، یعنی یاد بگیریم که از وسایل و نعمت هایی که در اختیار داریم کجا و چگونه و چه مقدار استفاده کنیم که هم منظم و هم با قناعت و عدالت باشیم. در حال حاضر با پیشرفت جوامع و افزایش تجمعات قناعت کم تر دیده می شود و با تبعیض درآمدی که وجود دارد افراد دچار نارضایتی هایی شده اند که این اختلاف طبقاتی عرصه امتحان زندگی ما است، ما باید یاد بگیریم که قناعت در تمامی مراحل زندگیمان جاری و ساری باشد.

قرآن کریم می فرماید: « وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا وَيَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَمُسْتَوْدَعَهَا كُلٌّ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ، هیچ جنبنده ای در روی زمین نیست، جز آن که روزی او بر عهده خداست، و موضع و مکانش را می داند، زیرا همه در کتاب مبین آمده است. (سوره هود آیه ۶). پس چرا نگران باشیم و به بیش از وظیفه خود فکر کنیم. هر گاه انسان معتقد باشد که این جهان مقدمه ای برای جهان دیگر و محل تامین سعادت آخرت است، آن گاه متوجه می شود که نه تنها مال و ریاست و تجمعات دنیا موجب کمال انسان و سعادت آخرت نمی گردد بلکه گاهی در اثر گرفتاری به آن ها و مسئولیت های ناشی از ناحیه آن ها انسان را از کمال و سعادت آخرت باز می دارد. انسان به صورت فطری طالب راحتی و آسایش است. گاهی به اشتباه مصداق رفاه و آسایش را تشخیص می دهد. برای این که اشتباه نکند و حریص نباشد، باید بداند اولین ثمره شیرین قناعت، آسایش و راحتی است برای کسی که این ویژگی را دارا است. هنگامی که فرد به آنچه در اختیار دارد، اکتفا می کند و در زندگی، خود را با در نظر داشتن امکانات موجود، اداره می کند، سختی بسیاری از امور همچون فعالیت های طاقت فرسان، نگرانی از کمبودها، اظهار نیاز به دیگران و... را از خود دور می سازد. قناعت یعنی اکتفا کردن به نعمت های موجود:

یعنی این که بهره مند شوی از نعمت ها و قدربدانی خالق آن ها را؛ قناعت یعنی اینکه دوری گزینی از حرص و آز، که حرص، مقدمه سیر انسان در مسیری است که به بیراهه می رود و منجر به گمراهی می شود. رنجوری را گفتند: دلت چه می خواهد؟ گفت آن که دلم چیزی نخواهد.

إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا

به راستی که انسان سخت آزمند [و بی تاب] خلق شده است

إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا

چون صدمه ای به او رسد عجز و لابه کند

وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا

و چون خیری به او رسد بخل ورزد

ان الانسان خلق هلو عا اذا مسه الشر جزو عا واذا مسه الخير منو عا

به یقین انسان حریص و کم طاقت آفریده شده است، هنگامی که بدی به او رسد بی تابی می کند،

و هنگامی که خوبی به او رسد مانع دیگران می شود (و بخل می ورزد)

(سوره معارج آیات ۱۹ تا ۲۱)

این آیات در مقام مذمت است و افراد حریص و بخیل را نکوهش می کند.

امام علی علیه السلام: آدم حریص فقیر است؛ هر چند تمام دنیا را مالک شود.

حضرت موسی از پروردگار پرسید:

بی نیازترین (داراترین) بندگان تو کیست؟ فرمود: قانع ترین آن ها به آن چه که او را عطا کردم.

کنکور زنبیل کالا



به سوالات زیر با فونت نرم و پر رنگ پاسخ دهید:
تذکره ۱: در حین آزمون هرگونه تحرکی به عنوان تقلب محسوب شده و "کان لم یکن" تلقی می گردید.
تذکره ۲: به علت استفاده نی ها برای کوری چشم استکار از پخش ساندیس معذوریم.

۱- پیشنهادتان به جای واژه سبد کالا چیست؟

- (۱) زنبیل کالا
- (۲) سلّه کالا
- (۳) پاکت کالا
- (۴) سطل کالا

۲- به گفته فضا نوردان ناسا دو خط سفید در روی کره زمین دیده شده است، درباره این خطوط کدام گزینه صحیح تر است؟

- (۱) دیوار چین
- (۲) صف سبد کالا
- (۳) مراتضهای کفن پوش خواستار سبد کالا درهند
- (۴) دیوار چین و صف سبد کالا

۳- وزیری در گفت و گو با یک شبکه تلوزیونی آلمانی درباره آزادی رهنورد، کروی و موسوی گفت: "آزادی آن‌ها از وعده‌های رئیس‌جمهور منتخب، حسن روحانی بوده است. وی گفت که رئیس‌جمهور ایران تعهد کرده است که این شخصیت‌های معترض از حصر آزاد شوند و او به تعهد خود وفادار است." این یعنی چی؟

- (۱) این مسئله را کم سوادها نمی فهمن که! افراطی ها می فهمن!
- (۲) یعنی "گدا رو بهش رو بدیم پا به محراب میذاره"
- (۳) یعنی سال ۸۸، فتنه ی کشک داشتیم
- (۴) همه موارد و بیشتر

۴- تلاش دانشمندان ایرانی برای رسیدن به اورانیوم ۲۰ درصد برای چه اهدافی بود؟

- (۱) هدف بزرگ به باد دادن توسط "آن مرد که آمد".
- (۲) برای استفاده در روح مذاکرات ژنو.
- (۳) برای تناول کیک زرد توسط گروه ۱+۵.
- (۴) برای تولید برخی رادیو ایزوتوپ‌های مورد نیاز کشور در پزشکی، صنعت و کشاورزی

۵- فیلم نامه "هیس کم سواد ها انتقاد نمی کنند" بر اساس کدام واقعیت سیاسی نوشته شده است؟

- (۱) "کم سواد؟" در واقع یک پرسش عربی هست و هیچ ربطی به گروهکها و سیاست ندارد!
- (۲) اخیرا یک گروهکِ فعال به نام "کم سواد" مطابق با موازین و شئون اسلامی در ایران شکل گرفته است.
- (۳) اینکه رئیس‌جمهور روحانی گفته: "انتقاد بر توافق نامه ژنو فقط کار کم سوادهاست"
- (۴) تنها یک فیلم تخیلی می باشد.

۶- در شرایطی که روح توافق نامه در "جهنم" به سر می برد، جسم مذاکرات کجاست؟

- (۱) برزخ (راهنمایی: در گورستان تاریخ)
- (۲) با توجه به گفته ظریف "حتی اگر استیضاح شوم حاضر نیستم بگم" پس به ما مربوط نمی شود.

(۳) شما سبد کالات رو گرفتی که از این سوال ها می پرسی؟

(۴) همه چیز در پی نوشت مفاد قرار داد نهفته است، دل خوش سیری چند!

۷- تدبیر دولت در چیست؟

- (۱) افزودن سبد کالا به کانون گرم خانواده
- (۲) گوش سپردن به یاره گویی های زبان درازهایی امثال شرمین که از سوء تغذیه رنج می برند. (به گفته قدیانی: سبد کالا تقدیم عجزه کنیم تا از لاغری مغرط نجات یابد)
- (۳) تشخیص این مسئله که کمک رسانی به سرما زدگان تنها کار دولت نیست!
- (۴) منتقدین به تدبیر، را همزاد صهیونیست ها می دانند.

۸- باتوجه به این شعار دولت تدبیر و امید، امید کجا می باشد؟

- (۱) امید به آمریکا و از قرار معلوم کاخ سفید سفر کرده است.
- (۲) امید جایی نرفته فقط ما نمی دانیم کجاست!
- (۳) امید در معاهده ی ژنو به طرف مقابل اهدا شده است.
- (۴) درون موشک بالستیک بود

۹- علت قرار گرفتن برنج هندی(خارجی) در سبد کالا چیست؟

- (۱) به گفته یکی، به علت بسته بندی نامناسب برنج ایرانی!!!!!!
- (۲) همانطور که هندی ها این نوع برنج را به انعام خود می دهند، ایشان به قشر نیازمند مردم انعام می دهد!
- (۳) دانه های برنج خارجی بیشتر وی می کند. این یک تدبیر اقتصادی است!!!
- (۴) تو چه دانی برنجای وارداتی چه کسی، در انبارهاش باد کرده بوده!

۱۰- دیپلماسی صدقه ای یعنی چه؟

- (۱) دیپلماسی است که از صدقه سر بعضیا ست.
- (۲) مربوط به قسط اول می شود.
- (۳) در حاشیه گزینه های زیر میز است.
- (۴) از تدابیر کمیته امداد شیخ حسن روحانی است.

تولیدات طنز

اگه بجای مغ اینا با ترازو وزن میکردن چی دادیم
و چی گرفتیم معلوم میشد اینبات بهمون انداختن

سلام راک عزیز اموالاتت پمپوره

مگه ملاح بذا ادم میذارین
مواست هست چیکار کردی
مواست هست که مقاومتای به ملت رو
با آبنبات عوض کردی

فوب عزیز انتقاد دیگه ای هم داری؟
بگو ما تممل انتقادمون بالاست

۱. کمیته امداد امام خمینی	۲. کمیته امداد امام خمینی	۳. کمیته امداد امام خمینی	۴. کمیته امداد امام خمینی
۵. کمیته امداد امام خمینی	۶. کمیته امداد امام خمینی	۷. کمیته امداد امام خمینی	۸. کمیته امداد امام خمینی

فوب دیگه اگه مرفی نداری ما بریم
یا حق

VELAYATPAZIR

اگر بهتون سبد کالا
تعلق نگرفت، بریزید
تو خیابون!

افسارات شبکه خیرم - اجتماعت افسران جوان جنگ نرم
noname

این چه وضعشه!
چرا گدا پروری می کنید؟!
قلبم گرفت!!

احسنت!! به این
تدبیر!! امید مردم
رو زنده گردید!!

افسارات شبکه خیرم - اجتماعت افسران جوان جنگ نرم
noname

مردم مظلوم سوریه از من انتظاراتی دارن
مطور میتونم بیکار بشینم و فاطره نکم

شما دولت سوریه رو ترووربست نکن
مردم سوریه هیچ انتظاری از شما ندارن

اینو کی راه داد تو تروول

VELAYATPAZIR

اگه نبود اون هشت سال!
الان به نفرم بی سواد نداشتیم!

افسارات شبکه خیرم - اجتماعت افسران جوان جنگ نرم
www.afsaran.ir
mahdinoood313

تولیدات طنز



فینگیلی و سبد کالا



سپهرا: امروز مینگولی پسر عمو تو دیدم!

فینگیلی: عه کجا دیدیش سپهرا؟؟

سپهرا: تو خیابون پشت ماشین آخرین مدل آقای عمو نشسته بود! رفتم جلو سلام علیک کردم و چند دقیقه با هم حرف زدیم!! /:

فینگیلی: خب اون یه ادم باسواد مثل ما که نیست!!

سپهرا: یعنی چی؟؟

فینگیلی: سپهرا! بیسواد انقدر این روزا سرت شلوغ بوده از دنیا بی خبری! /:

سپهرا: آره والا خیلی این دو هفته کار داشتم حالا چی شده؟ تو که تا دیروز امتحان داشتی چرا الان میگی بی سواد؟ نکنه مشروط شدی! نکنه کارنامتون دادن شیطون؟

چیزی نمیگی!؟

فینگیلی: بیخیال خیلی وقت میخواد برات توضیح بدم چه خبره!! خودت برو بخون می فهمی! راستی دیروز خانم مامانم بهم می گفت فینگیلی انقدر میری نت چه کار میکنی برو

ببین به ما سبد کالا میدن یا نه!!

سپهرا: سبد کالا!!!؟ این دیگه چیه؟؟ حالا کی باید سبد بهتون بده؟

فینگیلی: وا نمی دونی چیه؟ نکنه به تو هم تعلق نگرفته؟؟

سپهرا: نمیدونم داری چی میگی! اما دیروز که با مینگولی حرف میزدیم میگفت: میخوام برم تو صف سبد کالا مون!!!

فینگیلی: ای وای من! یعنی به اون مرفهین بی درد هم سبد تعلق گرفته اونوقت نه شامل ما شده و نه جینگیلی!!! من دارم میرم خودمو آتیش بزنم! هیچکس هم لطفا جلوی منو

نگیره! / فقط یکی بیاد زیر گاز را روشن کنه!!!

سپهرا: نمیدونم والا چرا بری خودتو بسوزونی آخه! برید شما و جینگیلی هم پیامک بزنید خو!!! من شنیدیم میگن پیامک بزنید درست میشه ها!!!

فینگیلی: نه! جینگیلی میگفت ما چند بار پیام دادیم شبکه قطع بوده بعدش یه پیامک واسش آمده بود نشونم داد نوشته بود! هموطن گرامی پدر ما رو در آوردی بس که پیامک

دادی! سبد کالا به شما تعلق نگرفته است اگر یک بار دیگر به ۵۰۰۰۴۹۹ پیامک بزنید یارانه ۴۵۵۰۰ تومانی شما هم قطع خواهد شد! با تشکر |:

سپهرا: هان! /:

گیرندگان سبد کالا: (؛ روحانی مدیونتیم!

باسوادها: / | تکریم مردم لیاقت میخواد!

بیسوادها: | روحانی مچکریم (:

فینگیلی: |:

مدیر خنده حلال: (:

اخبار افسران

۱- کمپین یا پویش ناموفق «امام، نماد عزت»

با نزدیک شدن به دهه مبارک فجر و با توجه به مسائل روز، کمپینی با عنوان «امام، نماد عزت» پیشنهاد شد و تعدادی از مدیران ارشد گروه ها با ارسال لینک اولیه از برگزاری آن حمایت کردند اما در عمل اتفاق خاصی نیفتاد و افسران از این کار استقبال نکردند. نتیجه اینکه خود افسران می بایست در یک زمینه احساس نیاز یا خطر داشته باشند تا بتوانند کمپین موفق ارائه دهند

۲- شفق بسیار فعال!

در ماه گذشته گروه شفق فعالیت بسیار خوبی داشت و برنامه های متعددی منتشر کرد. ۸ کلیپ و انیمیشن و مستند «من روحانی هستم». این مستند که با استقبال بسیار خوبی مواجه شده بود مجددا در افسران و با تقاضای دانشجویان در دو دانشگاه تهران و اراک اکران شد.



۳- رادیو افسران

این ماه رادیو افسران به جای دو برنامه یک برنامه منتشر کرد. برنامه دوم بنا به دلایلی تنظیم نشد. امیدواریم در ماه بعد جبران شود.

برنامه شماره بیستم رادیو

<http://www.afsaran.ir/link/502079>

۴- آرمان تی وی، حرکت به سوی تاثیرگذاری!

آرمان تی وی در بهمن ماه ۶ برنامه پخش کرد:

مصاحبه با حجت الاسلام والمسلمین میر آقایی، دبیر سابق شورای عالی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، مصاحبه با فرج الله سلحشور کارگردان سینما، مصاحبه با فرهاد عظیمی انیمیشن ساز موفق و خالق انیمیشن پیام راشل کوری، مصاحبه با مرتضی علی عباس میرزایی، مستند ساز و سازنده فیلم «درختان حماسی»، مصاحبه با دکتر رضا سراج تحلیلگر استراتژیک با موضوع راهبرد غرب در مواجهه با ایران، مصاحبه با علی اندرزگو، فرزند مرد هزارچهره انقلاب، شهید اندرزگو

بخش هایی از مصاحبه های انجام شده را می توانید در این آدرس ببینید:

<http://www.afsaran.ir/profile/armantv>



برترین پیامک های ماه گذشته:

۱۰۶ امروز تو تاکسی به خانمی با لباس های واقعا مفتضح سوار شد
اعوذ بالله، نگاه همه به نوع لباسش بود،
راننده یک آقای محترمی بود
بهش گفت، خواهرم بفرمایید پائین من مسیرم با مسیرتون یکی نیست
واقعا راننده مردانگی کرد

saiber89 | از وب | دوشنبه ۱۴ بهمن - ۲۲:۲۴

۸۶ فوری فوری
تغییر در محتویات #سبید-کالا صورت گرفت.
بسته های آموزشی بالا بالا هم گزاشتن.
#ما-همه-بی-سوادیم

khademoshahid | از وب | سه شنبه ۱۵ بهمن -

۹۵ اگر بدونیم امام زمانمون و نایبشون چقدر روی امثال ماها حساب کردند
اگر بدونیم چقدر وظیفه داریم
اگر بدونیم همین ماها میتونیم مسیر تاریخ رو عوض کنیم
خیلی خیلی جدی تر زندگی میکردیم
حتی تو همین افسران به جور دیگه کار می کردیم
بیایید جنگ رو جدی بگیریم
#مصطفی_احمدی_روشن

hojjat | از وب | پنج شنبه ۱۰ بهمن - ۱۲:۲۵

برترین لینکهای ماه گذشته:

اولین لینک بنده در افسران ۲۸۴



بسم الله... سلام... الحمدلله توفیقی بود که با راهنمایی برادر بزرگوار @seyed110 با این سایت ارزشی و فضای صمیمی آشنا شدم، ان شاءالله بتوانم طوق فرموده امام خامنه ای افسر واقعی جنگ برم باشم. ب ن: تصویر فوق اولین دیدار خصوصی حجیر با #حضرت ماه بود...

malek110 | از وب | یکشنبه ۳۰ بهمن - ۰۰:۲۹

دختر و بین "مادر" رو ستایش کن! ۲۶۸



میگویند "مادر" را بس... دختر رو بگر اما من میگویم... دختر و بین "مادر" رو ستایش کن

aghaghia | از وب | شنبه ۱۲ بهمن - ۲۰:۵۱

توصیه حاج خاتم! ۲۳۰



اگر بهتون سید کالا
تعلق نگرفت، بریزید
تو خیابون!

شماره خبری - اجتماعی افسران (دولت دنگ نم)

توصیه همسر حاج آقا به کسانی که سید کالا دریافت نکردند!!!

noname | از کانور | سه شنبه ۱۵ بهمن - ۱۲:۰۹

داستانک براساس داستانی واقعی

دخترک خوشحال از لغو امتحانات مدرسه در این روز، به سمت کنترل تلویزیون می رود تا شاهد اوج شور و اشتیاق مردم شهرش به دیدار ولی فقیه امرشان باشد... تا آمدن رهبرشان به مقر سخنرانی یک ساعتی باقیست، اما تمام مسیر فرودگاه تا جایگاه مملو از جمعیت و گلباران خیابان هاست... دلش تاب نمی آورد... تا به خود بیاید خود و مادرش را در یکی از مسیرهایی میبیند که قرار است خودرو حامل رهبر مسلمین از کنارشان رد شود... انگار همه آمده بودند... عاشق و معاند... کوچک و بزرگ... جوان و پیر... دو ساعت بعد از موعد مقرر دو مرد محافظ، سوار بر ماشین خواستار باز کردن راه هستن برای عبور خودرو...
اکثرا اشک شوق میریختن... دخترک نمیدانست بخندد یا بگرید... در فاصله یک متری رهبرش ایستاده بود و مشغول درود گفتن که اصلا متوجه گم شدن کفش هایش میان جمعیت عاشق نشد... یک خوشحالی وصف نشدنی بود برای دختر دبیرستانی...

خاله اش برایش نقش یک مادر را داشت... مشاور یا حتی یک دوست بسیار صمیمی... با شنیدن صدای خاله اش از پشت تلفن آن هم از فرسخ ها دور... اولین خبری که با ذوق و شوق فراوان به او می دهد، آمدن حضرت خامنه ایست به شهرشان... ولی انگار خاله زیاد هم خوشحال نمی شود نه تنها خوشحال نمی شود بلکه با عباراتی نه چندان خوشایند، گل لبخند دخترک را پژمرده می کند...

(انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۸۸)

دخترک معاف است از رای دادن در انتخابات به دلیل چند روز ناقابل که دیرتر به دنیا آمده است اما از چپتی خوشحال... دوران تب و تاب مناظره ها و تبلیغات مصادف شده است با ایام امتحانات... مانده است بین دو راهی ای که اطرافیان از دوست و خانواده و همکلاسی ها برایش درست کرده اند... تا این که در یکی از مناظره ها تصمیم قطعی خود را برای انتخاب می گیرد، هر چند که حق رای دادن ندارد...

از خرداد ۸۸ تا خرداد ۸۹ برای دخترک نقاط عطفی در تاریخ زندگیش محسوب می شود، در این دوران با آدم هایی سروکار دارد و زندگی می کند که حتی کم تر از تعداد انگشتان یک دست به شخص ولی فقیه ایمان دارند... دوران پس از انتخابات مواجه می شود با چهره های واقعی کسانی که روزی دم از عشق به امام خامنه ای می زدند و حالا علیه او شعار سر می دهند... موج قبح شکنی و اهانت به مقام معظم رهبری، صوت ها و حرف های دروغین، آدم های معاند و ضد انقلاب به سمتش هجوم می آورند، تا جایی که اقتدار امام خامنه ای برایش نزول می یابد... دیگر نمیتواند ایشان را با توجیحات و دلایلی که خود خبر ندارد هدفی جز تخطئه چهره ایشان ندارد، به عنوان رهبر قبول داشته باشد... تا جایی که در راهپیمایی ۲۲ بهمن همان سال امتناع می ورزد از سردادن شعارهایی که ملت خواستار سلامتی رهبرشان هستند...

بدجور سر دو راهی قرار گرفته است از یک طرف در جمع دوستان صمیمی و فامیل و حتی خانواده اش جز توهین به شخص رهبری نقطه امیدی نمی بیند و از طرف دیگر با همکلاسی هایی که در مدرسه جدیدش دوست شده نمی تواند هیچ مخالفتی با این قضیه ببیند... تمام هم و غمش در این دوران بحران ساز تاریخی تبدیل می شود به این مسئله، شخص امام خامنه ای برای ولایت فقیه آری یا نه؟!... چون نمی تواند با هر دو طیف از این آدمیان یک جور برخورد داشته باشد و یا قطع رابطه کند... از نقش بازی کردن برای دوستان جدیدش خسته شده است... در همین افکار سیر می کند که تلویزیون سخنرانی رهبر را در نماز جمعه در خصوص مسائل فتنه برانگیز سیاسی پخش می کند... در حین گوش دادن ته دلش کمی احساس آرامش می کند و چقدر خوشحال است که بعد از چندماه از پیروزی نامزد انتخاباتی اش، هنوز از انتخابی که نتوانست به روی برگه بیاورد و در حماسه مردمی سپهر شود پشیمان نشده است...

دو ماهی می گذرد و از درگاه خداوند خواستار کمک می شود برای حل این مسئله بغرنج... کم کم با کسانی آشنا می شود که مخالف ولایت فقیه بوده اند و حالا برای متفن بودن تمامی حرف هایشان ارجاعش می دهند به سخنان شخص رهبری... این فکر می کند که حتی با دوستان ولایی اش هم نمی تواند این مسئله را در میان بگذارد اگر متوجه ابراز محبت های کاذب دخترک به رهبر شوند برایش بد می شود گرچه مجبور است برای از دست ندادن دوستان خوبش به چنین کاری دست بزند... از طرفی هم اکثر ساعات روز با معاندین است که هرچه از این سر طیف رشته بود از طرف دیگر تبدیل به پنبه می شد.



دل را به دریا می زند از کسانی که فکر می کند می توانند کمک حالش باشند مشورت می گیرد و شروع می کند از ابتدا شروع به خواندن کتاب ولایت فقیه امام (ره) می کند تا دلیل مستندی داشته باشد برای وجوب ولایت فقیه با بحث با اطرافیان مخالفش و بعد ولایت فقیه آیت الله مصباح تا علقه عاطفی اش را نسبت به مقام رهبری بالا ببرد... انگار خدا سخنان مقام معظم را برایش از آسمان و زمین می فرستد تا بخواند و به تأمل بپردازد... که البته چون امکانش را ندارد همه این ها مربوط می شود به سخنان مکتوبشان... تا جایی که سخنان ایشان برایش شاخص می شود... شاخص حق از باطل... برایش به مثابه چراغ راهی است که حالا دلش را قرص و محکم می کند... سخنانی که نصیحتی است برای نماز و عبادت جوانان... بارقه های از امید در دلش زنده می شود... برای دوباره به دست آوردن اقتدار شخصیت رهبری چندین ماه طول کشید اما این بار محکم و استوار بر تصمیم خود پابرجاست و جای هیچ شک و شبهه ای، با وجود سخنان سنجیده و انتخاب درست و به جای کلمات و آن سوز دلی که در پس صحبت هایشان نهان است نمی گذارد... گرچه از جمع معاندین طرد شده با زندگی در کنار این ها برایش از جام شراب هم تلخ تر است اما دلش قرص است به انتخابش... به صراطی که دست یافته... گرچه در این راه سعی در هرچه بهتر نشان دادن چهره رهبری را دارد اما می داند که امثال بی بی سی، جایی برای تعقل در این مورد را برایشان نمی گذارد... وقتی به این عبارت زیارت عاشورا میرسد خدا را شاکر است بابت این نعمت بزرگ و الهی: ای سلم لمن سالمکم و حرب لمن حاربکم و ولی لمن والاکم و عدو لمن عاداکم



مصاحبه با کاربر MILADPS3

به احتمال خیلی زیاد اکثر اعضا سایت ایشون رو میشناسن .. چه با نام کاربری و چه با کارهاشون .. کاربری که تو حوزه های مختلف کار میکنن و بسیار هم موفق ظاهر شدن.. البته نه فقط در دنیای مجازی بلکه حتی در فضای واقعی . کارهاشون خیلی مقبوله ولی کم پیدا میشن افرادی که تحمل نقدهاشون رو داشته باشن ! نقدهایی که از سر دلسوزی و البته آشنایی با کار هست ... خیلی سوال داشتیم ولی نمیشد همشو پرسید به همین خاطر از خیلی مطالب عبور کردیم. تعاریف زیادی به ذهن میرسه که باید بگم ولی چون میدونم گاهی تعریف مثل سم میمونه و همه چی رو خراب می کنه چیزی نمیگم . این مصاحبه دلنشین رو بخونید که خیلی آموزنده است

سلام علیکم ... گرچه اکثر کاربران شما رو میشناسن ولی برای عده ای که هنوز آشنا نیستن خودتون رو معرفی بفرمایید

علیکم السلام... میلاد پسندیده سقالکساری... و دیگر هیچ!

چطور با افسران آشنا شدید و از چه زمانی وارد سایت شدید؟

گمونم نوروز ۹۱ بود که توی تارنمای سید شهاب الدین واجدی (عکاس مسلمان) می گشتم که تبلیغ کمپین حمایت از امام نقی (علیه السلام) رو دیدم... پیوند خورده بود به شبکه اجتماعی افسران؛ منم عضو شدم.

شما هم در اون کمپین شرکت کردید؟

بله دوتا تصویرسازی و چندتا پوستر زدم و یک لوگو که الآن بعنوان نشان پایگاه کمپ ۱۰ استفاده میشه... البته این کارها محدود به زمان کمپین نبود ولی در همون ایام انجام دادمشون... هرچند ماه های بعد هم کارهای برای امام دهم انجام دادم... حتی میخواستم سریال انیمیشنی هم بسازم ولی دیگران گفتن نمیشه و کمک نکردن... یادم میاد یه شعر هم گفتم به سبک رپ (:

همون شعر انگلیسی که خودتون خوندید؟

خیر... فارسی بود... و الآن متنش فقط در همون لینک افسرانی مربوط به خرداد ۹۱ موجوده

پس شاعر هم هستید! بسیار عالی ... بعد از برگزاری کمپین امام هادی علیه السلام کمپین های دیگه هم داشتیم ولی هیچکدوم چنین موفقیتی کسب نکرد ، چرا ؟

چراپیش رو نمیدونم... اسم کمپین توهمین رو گذاشته بودن یادآوری امام نقی علیه السلام به شیعیان... گمونم دلیل گرفتن اون کار، همین بود که واقعا شیعیان متوجه غفلتشون از این امام شده بودن... یکجور حال و هوایی عاشورایی پیدا کرده بود... هرکسی میخواست از امامش که در محاصره گرگهاست، دفاع کنه!

فضا خیلی معنوی بود ... یادش بخیر .. چطور میشه از این پتانسیل استفاده کرد برای زمینه سازی برای ظهور ؟ انگار یادمون میره امام دوازدهم مون هم در محاصره گرگ هاست .. خیلی بدتر و شدیدتر !

در مورد امام دهم کاملا غافل بودیم اکثرمون... این آگاهی پیدا کردن به غفلت بود که شور ایجاد کرد... در مورد امام دوازدهم اما همیشه به یادشون هستیم یا به یادمون میارن... و فکر میکنیم همین به یاد بودن کافیه دیگه... کسی واسمون روشن نکرده چطور باید امام زمان رو کمک کنیم؛ در حد خودمون... وگرنه گاهی اوصافی از یاران امام میگن که آدم ناامید میشه که خب من نمیتونم پس هیچی دیگه!

قبل از آشنایی افسران چه فعالیتی در فضای مجازی داشتید ؟

بی کار بی عار میگشتم! وبگردی... گاهی هم یه طراحی پوستر می کردم اگر بود میداشتم توی سایت دویت آرت! بیشتر فعالیتیم هم توی بحثای اون سایت و به زبان انگلیسی بود.

دلیل گرفتن کمپین دفاع از امام نقی علیه السلام ، همین بود که واقعا شیعیان متوجه غفلتشون از این امام شده بودن... یکجور حال و هوایی عاشورایی پیدا کرده بود... هرکسی میخواست از امامش که در محاصره گرگهاست، دفاع کنه!

هنوز هم بحث با کاربران غیر ایرانی دارید ؟

دیگه بحثی پیش نیامد، چون دروغگویی رسانه های آمریکایی توی این سالها کاملا به مردم دنیا ثابت شد... و فکر غربیها روشن تر شده... هر چیزی رو بی منطق قبول نمیکنن... یه دلیل دیگه ایش هم فیلتر شدن اونجا برای یه مدت بود که کلا "فیلترشکن استفاده نکن ها" رو برد توی حاشیه... خدا باعث یابیش رو هدایت کنه!

بحث ها بیشتر حول چه محوری بود ؟

بیشتر بحثها سیاسی بود... دیکتاتوری در ایران و بسیج و موضوع فلسطین...

اون بحث ها سودی هم داشت ؟

از بحث های افسرانی سودش بیشتر بود. چون واقعا شخص مقابل سوال داشت و میخواست بدونه و اگر قانع میشد، دیگه هیچ جای اون سایت در اون موضوع سوال نمیکردا واقعا قانع میشد... البته بحث کردن هم بلدی میخواد. مثلا کسانی بودن (الانم هستن) که قبول نداشتن اون شخص یا گروهی که ازش طرفداری میکنن اصلا اشتباهی در عمرش کرده باشه... ولی من همیشه سعی میکردم اگر طرف غربی نقطه ضعف ما رو میگه، بگم درست میگی... و هرجا اشتباه میگفت، درستش رو براش ثابت کنم... و این مسئله حرف حق زدن رسانه های غربی و برداشت باطل کردنشون رو براش روشن کنم.

هنر یعنی خوشگل کردن... هر کاری که انجام بدیم تا یه چیزی رو زیباتر نشون بدیم، میشه هنر. اگر زشت تر از اصلش شد دیگه هنر نیست.

خیلی هم عالی ... با هنرهای تصویری میانه خوبی دارید از چه زمانی شروع به این کارها کردید ؟

کلا خوشم میومد از نقاشی کشیدن... ولی طراحی پوستر یا کار جدی ای انجام نمیدادم... بعد از سال ۸۸ و فعالیت های میثم محمد حسینی توی بلاگفا و بعد بسته شدنش و

داستان های اون دوران، منم تصمیم گرفتم پوستر بسازم که گفتم میداشتمشون توی همون سایت هنری خارجی... بعدش که وبلاگ دولل و چندتا دیگه در بلاگفا بسته شدن، حزب الهی ها شروع کردن به ساختن سرویسهای وبلاگدهی... منم توی هرکدومشون یه وبلاگی میساختم ولی بعد از مدتی کل سرویس تعطیل میشد و ماهم میرفتیم یه جای دیگه... تا اینکه فعلا توی بیان هستیم... اصلا سوال یه چیز دیگه بود گمونم!

بخش دوم سوال این بود از چه زمانی شروع کردید به نقاشی کشیدن ؟ سالگی یا ۲۰ سالگی !!

همیشه از وقتی یادم میاد نقاشی میکشیدم ولی بی هدف . از بسته شدن وبلاگ های ارزشی گفتید .. انگار جماعت حزب الهی همیشه در سانسور قرار داشته .. با آمد و رفت دولتها تغییری در این اوضاع بوجود آمد یانه؟ ربطی به دولتها نداشت. چون از سر دغدغه شخصی بود، بعد از یه مدت پولشون ته میکشید و از دسترس خارج میشدن!

پس خدایوشکر سانسوری نبوده ؟!

خب چرا گفتم که وبلاگهایی که با فتنه مقابله میکردن و کارشون روشنگری بود معمولا بسته میشدن... و جالب اینکه خودسرانه هم نبود و پیغام میدادن که با دستور مقام قضایی! هرچند به نظرم مقام قضایی وقت بررسی این همه وبلاگ و دستور تعطیلی تک تکشون رو نداره... اگر داشته باشه معمولا تذکر میدن که فلان مطلب رو بردارین وگرنه می بتدبیم... ولی ناگهانی بستنشون که بیشتر در همون بلاگفا اتفاق می افتاد، بیشتر شیطنت مدیریت همون سرویس دهنده بود گمونم. یه مدت این قضیه فروکش کرد و دوباره سانسور و مقابله با منتقدین جریان انحرافی دولت دهم شروع شد... دوباره فضا اروم شد و حالا سانسور و فیلتر و احضار به دادگاه و توقیف و شلاق از سر گرفته شده... اونم برای کسانی که میخوان بیشتر درباره توافق ژنو بدونن .

مگه رییس جمهور نگفت دانستن حق مردمه ؟ دو صد گفته چون نیم کردار نیست !

کاملا درسته ... به عنوان فردی که در هنر دستی داره ، تعریف شما از هنر چیه ؟

هنر یعنی خوشگل کردن... هر کاری که انجام بدیم تا یه چیزی رو زیباتر نشون بدیم، میشه هنر. اگر زشت تر از اصلش شد دیگه هنر نیست.

حالا بحث زیبایی پیش میاد. برای افراد زیبایی تعریف های مختلف داره ... با همین تعابیر هر چیزی رو وارد مقوله هنر می کنن .. به این ترتیب معنی ارزش و غیر ارزش دچار اوجاج میشه .. زیبایی ، هنر ، ارزش ... با این لغات میشه هنر ارزشی تعریف کرد؟ اصلا ارزش در هنر چیه؟ هنر ضد ارزش چه معنی داره؟



همینجور ولی در زندگی عادی اینقدر موقعیت های حساس و جلو چشم دیگران نیست که بخاطرش هی به اطرافیان گیر بدم... تعداد بالای مطالب و اشکالات توی افسران شاید اینجور تصویری ایجاد کرده گاهی من فقط نظر شخصی خودمو درباره یه مطلب میگم و اینکه ممکنه سلیقه ام با صاحب مطلب متفاوت باشه، دلیل بر بد بودن مطلب نیست یا اینکه من بخوام تحکم کنم که حتما باید اینجوری که خودم میگم باشه... نمیدونم چرا اینجور برداشت میشه... بالاخره در مواجهه با هر مطلب به نظر میرسه اگر من بودم چطور میساختم یا می نوشتم

اگر میشد بر اساس عقیده عقلی پای کشور باشیم، به کوچکترین چیزها هم حساس میشدیم و منتظر نمی موندیم تا شرایط به حد بحرانی برسه

فکر می کنید راه حل مشکلات محتوایی افسران چیه؟

راه حل نداره... چون بیشتر افراد بصورت عقلانی فعالیت نمیکنن... عشق بر عقلشون چیرگی داره... بخاطر همین کاربران در ایام پس از فتنه خیلی با انرژی بودن ولی با افت کردن اون فضا، فعالیت‌های مفید هم افت کرد. اما حالا که بازم احساس خطر کردن، باز هم احساسات سلحشوری گل کرده و دنبال تولید محتوا هستن!! پس تنها راه حل، جو دادن به رزمندگان های جنگ نرمه... مثل جلسه قبل از عملیات توی ۸ سال دفاع مقدس که فرمانده رجز میخوند و رزمندگان ها شیر میشدن!

اینطوری که یعنی هر عمل خوبی به خاطر جودگی انجام میشه حتی دفاع از میهن!! فکر نمی کنید قرار نیست همیشه شرایط جنگی برقرار باشه؟

درستش همینه که هیچوقت جنگ در کشور بپا نشه؛ چه داخلی و چه خارجی... اما وقتی حالت جنگی نیست، اون جوگیری از بین میره و دشمن از این شل شدن برای نفوذ استفاده میکنه.

اگر میشد بر اساس عقیده عقلی پای کشور باشیم، به کوچکترین چیزها هم حساس میشدیم و منتظر نمی موندیم تا شرایط به حد بحرانی برسه

چرا میگید جودگی ... یعنی هیچکدوم از عکس العمل ها عقلی نبوده یا برخی هاش اینطور بوده؟؟؟

معلومه که افرادی هم بودن که عقلانی رفتار کنن ولی چون دلیل فراگیر نشدنش رو پرسیدین نظر شخصیم رو گفتم، واکنش منطقی و آهسته و پیوسته بوده ولی همه اینجور نیستن... کارش هم نمیشه کرد!

در اینکه فعالیت مفید خیلی وقتها افت می کنه باهاتون موافقم... فکر می کنم برای تعدیل این مسئله باید فعالیت مفید رو برای کاربران تعریف کرد. شما فعالیت مفید رو در چی می دونید؟

تعریف کنن ما هم استفاده کنیم... به نظر من که هر کسی باید پیش خودش فکر کنه و به نتیجه برسه... مشکل اینه که فکر نمیکنیم و میخوایم بجامون فکر کنن و دستور بدن.

بسیار خوب ... گفتید از یه مدتی به بعد افسران سیاست زده شد، یعنی افسران غیر سیاسی بهتره؟ مگه سیاست و دیانت یکی نیست؟

ما پیرو امامی هستیم که میگه تنها هنری مورد قبول قرآن است که صیقل دهنده اسلام ناب محمدی باشد. اون هنری که زنگارهای اسلام ناب رو پاک نمیکنه، از هنر بودن نمی افته... ولی دیگه ارزش نداره.

سیستم نشست و مسئولانه فعالیت کردن از بین بره و چون از گوشه سخته چک کردن مطالب دیگران، همین باعث شد که هر کی هرچی به دستش میرسه بفرسته روی افسران! بدون اینکه بدونن ممکنه قبیلش صمدار همین مطلب تکراری ارسال شده باشه... وقتی هم که تکراری دادن و چک نکردن کارهای بقیه عادی شد، سیل طوفان وار مطالب سرازیر شد تا جایی که دیگه الان سایت کشش این همه مطلب که متاسفانه اکثرش تکراریه رو نداره... سرورها سنگین شدن و هی از دسترس خارج میشن! اما رفتار کاربران سایت یه جورایی سینوسیسه... توضیحش طولانیه

ارسال سیل گونه مطالب رو خوب گفتید.. متاسفانه اون فضای اولیه افسران دیگه وجود نداره.. اون موقع ها خودمون رو مسئول تذکر دادن به کاربران می دونستیم تا مطالب تکراری یا خارج از عرف توی سایت نباشه ولی الان حتی تذکر اخلاقی هم هم گاهی با مخالفت روبرو میشه و خواهان عدم تذکر هستند.. آیا افسران هم می خواد وارد گردنه تقبیح امر به معروف و نهی از منکر بشه؟ در این زمینه چه وظیفه ای به عهده کاربران هست؟

من به نظرم باید تذکر داد و نترسید از سرزنشگران کار خوب! نکاتی که شخصی هستن رو در خصوصی میشه گفت و نکاتی که فراگیر هستن رو باید علنی جار زد. از لحاظ محتوایی گاهی انتقادهایی از شما می بینیم.. نظرتون در مورد کلیت فضای افسران چیه؟ انتقادهایی که من انجام میدم یا انتقادهایی که از من انجام میدن؟! کلیتش به نسبت بقیه جاها بهتره ولی نسبت به اونیه که باید باشه و روندی که گذشته داشت، خوب نیست انتقادهایی که شما انجام میدین! عجب! جالبه که جدیداً یه عده منکر این هستن که بنده اصلاً انتقادی به افسران داشتم و شدید پاچه خوار و باج بگیر مدیر!!

اضافه شدن ابزار اندرویدی باعث شد دیگه سختی پشت سیستم نشست و مسئولانه فعالیت کردن از بین بره و چون از گوشه سخته چک کردن مطالب دیگران، همین باعث شد که هر کی هرچی به دستش میرسه بفرستنه روی افسران

اون عده احتمالاً بر اساس مشاهدات خیلی محدودشون قضاوت کرده اند! برعکس، عده ای میگن شما خیلی سختگیرانه انتقاد می کنید و می خوان بدونن عمداً اینطور انتقاد می کنید یا تو زندگی واقعی هم اینطور هستید؟

اینها دیگه به خود هنرمندی مربوط نمیشه... شیوه ها و موضوعاته که ارزشی و غیر ارزشی بودن رو مشخص میکنه... ارزش برای ما یعنی قرآن و سیره امامان و علمای دین... چیزی که غیر این باشه میشه غیر ارزشی... چیز واضح و ساده ایه

ما پیرو امامی هستیم که میگه تنها هنری مورد قبول قرآن است که صیقل دهنده اسلام ناب محمدی باشد. اون هنری که زنگارهای اسلام ناب رو پاک نمیکنه، از هنر بودن نمی افته... ولی دیگه ارزش نداره. اونیه که اینجور چیزها رو انکار میکنه، بد و خوب رو نمیتونه تشخیص بده. چون حتی اگر نسبی گرا هم باشه، باید هر چیزی که مایل به بدی میشه رو بی ارزش و هر چیزی که مایل به خوبی هست رو ارزشی بدونه!

از بین شاخه های هنری که کار کردین به کدومش بیشتر علاقه دارید؟

از نظر علاقه، انیمیشن سه بعدی رو بیشتر دوست دارم هرچند مهارتش رو ندارم

پس می خواد انیمیشن ساز بشید؟ از بچگی میخواستیم همه کاره بشم... اصلاً یک کار داشتن رو توهین به انسانیت خود میدونستم... نمیدونم چرا ولی هنوزم همینجوری هستم و دوست دارم هر جا در هر کاری که میتونم کمک کنم... مسلماً بدرد زندگی امروز نمیخوره.

خیلی جالبه... چون اکثر جوون های امروزی نشست و دولت مرحمت کنه و به کار بده دستشون!! ولی در هر صورت همه کاره و هیچ کاره بودن تقریباً یه نتیجه داره! به نظرتون اینطور نیست؟

بله امروز اینجور ولی قدیم تر ها و در دوران کسانی که همیشه اونها رو برامون به عنوان الگو مثال زدن، اینجور نبوده و همه کاره ی همه کاره بودن! همیشه پیش خودم میگم من برای این دوران نیستم... دارم چیف میشم!)

بوعلی سینا هم همینطور بود!!... تو پاسخ های قبلیتون گفتید برای انیمیشن ایده داشتید ولی نتونستید و دیگران هم کمک نکردن... برای ساختن ایده هاتون از مجموعه ای که دارای بودجه باشه یا سرمایه گذار داشته باشه درخواست همکاری نکردین؟ خیر.

با این وجود آیا در فضای حقیقی هم به این کارها می پردازید؟

اگر منظور از حقیقی، خارج از اینترنت باشه، بله... من فقط انتشار دادن مطالبم با اینترنته. ولی اگر منظورتون اینه که چیزهایی هستن که فقط در دنیای حقیقی ساخته و انتشار داده ام، بازم بله

انتشار هاتون در دنیای حقیقی چی بوده؟ نیاز نمیبینم نام ببرمشون چون پولشون رو گرفتیم و الان دیگه صاحبشون نیستیم.

به هر حال صاحب هنر بوده اید ولی خب میگذریم... برگردیم به افسران! به نظرتون افسران تا الان چه روندی رو طی کرده؟ افسران در نسخه قبلی که بنده توش عضو شدم، خیلی خوب و تاثیرگذار بود، ولی بعدش سیاست زده شد. از طرفی اضافه شدن ابزار اندرویدی باعث شد دیگه سختی پشت



مصاحبه با کاربر MILADPS3

حالا موانع ازدواج قابل هدایت هستن یا باید برداشته بشن؟

چیزی که الان شدن موانع ازدواج، قبلا یاری دهنده بودن... انتخاب و مهریه و جهیزیه و مراسم و نمیدونم... جالبه همشون هم برای قبل از زندگیه... در مقایسه با ازدواج، خود زندگی هیچ مشکلی نداره!!

پس اینهمه مشکل که بعد از ازدواج پیش میاد و منجر به طلاق میشه چیه!!!

منظورم موانع خارجی بود... وگرنه بیشتر طلاقها بخاطر زیاده خواهی و خودخواهی و عدم سازش و عدم توانایی در اداره زندگی باید باشن گمونم... که همه اینها عوامل درونیه. مسلما زندگی کم و زیاد و فراز و نشیب داره ولی میشه مدیریتش کرد... بعد از ازدواج، زن و شوهر اختیار دار زندگی خودشون هستن معمولاً... ولی قبل از ازدواج اینجوری نیست... برای خانوما که اصلا نیست! فرهنگ جامعه ما هم این اجازه رو به پسرها نمیده که سرخود اقدام کنن... البته اینم کم کم داره عوض میشه ولی به شیوه بدش!

خدا همه رو عاقبت بخیر کنه ... شما در رادیو هم فعال هستید ... این فضا برای افسران چقدر جای کار داره؟ رادیو رو تا چه حد تاثیرگذار می دونید نسبت به شاخه های دیگه که کار کردن؟

جای کار که زیاد داره... به زبانهای مختلف هم میشه برنامه ساخت حتی. نمایش های رادیویی خیلی خوبه و اینکه گاهی به متنی رو وقتی یکی میخونه شاید نتونه با اون لحنی که شما نوشتید متوجه بشه ولی وقتی میشنوه، دیگه همونیه که شنیده و سوء تفاهم به کمترین حد میرسه. ولی خب فراگیر بودن و جذابیتش از تصویر کمتره... خود رادیو رو میگم وگرنه توی پویانمایی که صدای تصویر خیلی خیلی زیاد تعیین کننده هست.

از بین خط مشی های موجود در سایت مثل تحلیل ها، دلنوشته، داستان، کاتور، پوستر، کلیپ و ... کدام رو بهتر و مؤثرتر می دونید؟

هرکدوم سر جای خودش نیازه... و هرکدوم هم روی یک قشر خاص تاثیر داره

چطور وقت می کنید که هم در رادیو و هم در نشریه فعالیت کنید؟

فعالیتم در نشریه یک هفته در ماهه... و فعالیتم در رادیو هم هر دو هفته، ده دقیقه... وقت چندانی نمیگیره

تا جایی که یادمه به شعار برای خودتون داشتید: از هنر یک انگشت!! تا حالا تو چند حوزه از هنر وارد شدین؟

بازم همون حکایت همه کاره و هیچ کاره هست... توی همه چی وارد شدم. ولی خب تصویر بیشتر کاربرد داشته و راحت تر انجام میشه تا موسیقی و خوشنویسی و آشپزی و نمیدونم... چه هنرایی داریم؟

الان دوتا هنر تازه در شما کشف شد: موسیقی و خوشنویسی! موسیقی رو تا چه حد کار کردین؟

حالا که راه برای ورود هرکسی و هر حرفی و هر فرهنگی باز شده، می بینیم که چقدر افسران از اون چیزی که بوده و باید میشده، فاصله گرفته گمونم بازم خوب باشه تکرار کنم، راه برای هر کسی باید باز باشه ولی نه برای هر تفکر و هر فرهنگی... فرهنگ قالب باید اسلامی و با حیا و پاک و با احترام باشه

فکر نمی کنید یکدست شدن محیط هم باعث خودمندی و دور زدن در خود بشه؟

خب این وقتی اتفاق می افته که فقط در همین افسران فعالیت داشته باشیم اگر در کنار افسران، در جاهای دیگه و در برخورد با افراد دیگه باشیم و خیرهایش رو هم برای افسرانیا بیاریم، اینجوری نمیشه کما اینکه طبیعیه فعالیت افسرانیا بر اساس فعالیت در بیرون از افسرانه

یعنی افسران بشه یک قرارگاه برای فعالیت در خارج اون درسته؟

بله.

راه برای هر کسی باید باز باشه ولی نه برای هر تفکر و هر فرهنگی... فرهنگ قالب باید اسلامی و با حیا و پاک و با احترام باشه

این یک ایده آل برای افسران هست ... ان شاء الله به اون سمت پیش بریم ... شما در کنار بقیه هنرها از هنر نویسندگی هم بسیار باهوش هستید . چرا کم می نویسید؟ تو حوزه سیاست = دیانت هم که خیلی خیلی کم ... تقریباً نزدیک به صفر!

این ایراد بزرگیه. باید بیشتر بنویسم... البته مینوسم با خودکار و با شور و هیجان ولی حوصله دوباره تایپ کردنش رو ندارم. معمولاً هم بعد از یک مدت دیگه بیات میشن... شاید از این به بعد نوشتن و اسکن کردم و عکسش رو گذاشتم!!

اینکه چرا درباره سیاست نمی نویسم چون به اندازه کافی دیگران مینویسن. دوست دارم در حوزه ای فعالیت کنم که کمتر توش وارد میشن. هرچند همه کلیپ ها و انیمیشن هام در راستای همین سیاست= دیانت هست که میگیه و همینطور پوسترها. تایپ کردن بی روحه برام... خوشم نیما

اینکه کلیپ ها و پوسترها تون در این حوزه ها هستن کاملا درسته ولی نوشتار هم خیلی کم داریم ... خیلی ها می نویسن ولی در برابر چیزی که باید گفته بشه خیلی کمه ... برای بی روح بودن تایپ نمی تونید از روح توافقیانه کمک بگیرید!!!

اون روح، روح غمباریه... نیاز به به روح روحیه دهنده هست که اونم... ههههههههههههه... خدا موانع ازدواج رو هدایت کنه!

خیلی جالب بود ... ازدواج می تونه باعث ایجاد شوق در نویسندگی بشه؟

نویسندگی که چیزی نیست... ازدواج حتی میتونه باعث ایجاد شوق در غذا خوردن هم بشه... همینکه که مردها بعد از ازدواج چاق میشن!

گفتم سیاست زده... سیاسی حرف زدن که توش از دین داری بیافتم که ارزش نداره... اگه دیانت بعضی از ما واقعا مثل سیاستمون باشه که رسماً کافر و مشرک فراوونه بینمون!

اگر سیاست مشکل داشته باشه یعنی دیانت هم مشکل داره .. بنابراین فکر می کنم باید جملتون رو برعکس بگیه!!

پس با مطالب سیاسی به معنای واقعی مشکلی ندارید .. درسته؟

برعکسشم درسته... سیاست ما عین دیانت ما و دیانت ما عین سیاست ماست... هرکدوم غلط باشه، اون یکی هم حتماً غلطه... اگر مطلب تحلیلی درستی از مسائل سیاسی باشه یا حتی اگر لطیفه و کاریکاتور غیر منصفانه و تحقیر کننده ای نباشه، خیلی هم استقبال میکنم.

پس اونایی که از شون استقبال نکردید تحقیرآمیز بودن؟ چرا بهشون نگفتید؟

خیلی هاشون رو ندیده ام که نظری ندادم... ولی خیلیاشون رو هم دیدم و خوشم نیومده... چون منصفانه نبوده گاهی یک شخص در مطالبش همیشه از یک فکر و شیوه بیان استفاده میکنه یکبار وقتی بهش میگم به نظرم کفایت میکنه لازم نیست هر بار تذکر بدم در خانه اگر کس است، یک حرف بس است

اینکه فقط افراد رو جذب بکنیم و نه فرهنگ فیسبوکی رو... اگر قرار باشه همون حرفها و رفتارهای فیسبوکی در افسران رایج بشه که دیگه چه جنگ نرمی کردیم!!

درسته ... نظرتون در مورد عضویت نامحدود در افسران چیه؟

شبکه اجتماعی افسران جوان جنگ نرم، اسمش روی خودشه! نمیدونم چرا بعضیا میگن ما باید مردم رو از فیسبوک و غیره جذب کنیم و بیاریم افسران؟ حرف درستیه البته... اما به شرط اینکه فقط افراد رو جذب بکنیم و نه فرهنگ فیسبوکی رو... اگر قرار باشه همون حرفها و رفتارهای فیسبوکی در افسران رایج بشه که دیگه چه جنگ نرمی کردیم!! اینکه به دست خودمون گور خودمون رو کندنه.

از طرفی این رو هم مخالفش نیستم که طیف های سیاسی مختلف در اینجا فعالیت کنن اما به شرط اینکه قبول داشته باشن جنگ نرمی هست و دشمنی وجود داره که نرم و آهسته و نامحسوس داره ذهنیت های مارو عوض میکنه و البته برای خیلیا رو کاملاً عوض کرده و الان کسانی داریم در لباس دوست ولی با تفکر دشمن... اگر کسی اینها رو قبول نداره، جاش توی افسران نیست.

و اینکه جاش توی افسران نیست هم به معنای این نیست که با منفی و فحش و توهین بندازیمش بیرون... درست باید رفتار کرد (اول به خودم میگم)

و چه بهتر بود که چنین افرادی که گروه خونشون به مبارزه و جنگ نمیخوره، اصلاً نمیتونستن در افسران عضو بشن و



در حد ناخونک زدن و تست کنکور هنر... البته برادرم حرفه ای دنبال میکنه... فضای یادگیری خوب نیست

گفتید که انیمیشن سازی رو از همه بیشتر دوست دارید .. خیلی از هنرهایی که دارید می تونه کمک بزرگی به این کار باشه . ولی به نظرتون لازمه وارد شدن در این کار ، داشتن اون سایر هنرها هست ؟ کسی که میخواهد به انیمیشن بسازه باید به هرچی بهش مربوط میشه اشراف داشته باشه... ولی لازم نیست حتما همه اینجوری باشن... میشه در یک رشته کاملا متخصص شد... هرچند کسی که بخواد در یکی از شاخه ها به عالی ترین درجه برسه، باید به اندازه همون به انگشت از بقیه هنرها بفهمه!

برنامه ای برای فعالیت حرفه ای در این زمینه ندارید؟
برنامه ریزی شده ولی در کشوری زندگی میکنیم که اصلا همیشه هیچ چیز رو پیش بینی کرد... تا خدا چی بخواد

از بین تولیداتون به کدومش بیشتر از همه علاقه دارید ؟

یه زمانی اون قدیمای یکی از افسرانیا میگفتن که بهترین کار هرکس همیشه کار اولشه و من مخالفت کردم... الان که یک دور انیمیشن هامو نگاه میکنم، انگار بله... همون «صاعقه» از همشون بهتر بود! توی پوستر ها هم «یا صاحب الزمان» که امام در یک گندم زار زیر بارون هستن.

احتمالا از لحاظ موضوعی میگوید ولی از این انیمیشن کوتاه آخرتون هم خیلی استقبال شده .. تو موبایل افرادی که اهل شبکه های مجازی نیستن دیدمش !
استقبال دیگران منو خوشحال نمی کنه

قابل درکه .. خب از ماهی قرمزها چه خبر ؟ حالشون خوبه ؟

ماهی قرمزها هم خوبن... سلام میرسونن!!
این برف اخیر یکم داشت مشکل ساز میشد که بخیر گذشت.

خدا روشکر ... چی شد که وارد کار پرورش ماهی قرمز شدین ؟! گویا در کنار مشکلاتش کار لذت بخشی هست !

یه حرکت خانوادگی بود... شرایط فراهم بود، انجامش دادن... منم کمک میکنم... البته اسمال بیشتر رفتیم به سمت ماهی گوشتی.
بعله داشتنشون لذت بخشه ولی وقتی قرار باشه آب رو خشک کنیم تا ماهیا رو بگیریم، دیدن مردنشون زیاد لذت نداره... زیاد که نه... اصلا لذت نداره

بله .. از این لحاظ صحنه دردناکیه .. ولی برای ماهی قرمزها اینطور نیست مگه اینکه اتفاقی براشون بیفته ... از لحاظ درآمد زایی راضی هستید ؟ به جوان بدون

کار می تونه راحت دنبال به همچین کاری بره ؟
جوان اگر کاری باشه، از هر چیزی میتونه پول در بیاره... این بهم ثابت شده . اما اینکه میگوید راضی هستم، مسلماً برای انسان سیری ناپذیر، همه دنیا هم راضی کننده نیست... خوب بودنش بستگی به سبک زندگی آدم داره... برای هرکسی متفاوته.

یه زمانی اون قدیمای یکی از افسرانیا میگفتن که بهترین کار هرکس همیشه کار اولشه و من مخالفت کردم... الان که یک دور انیمیشن هامو نگاه میکنم، انگار بله... همون «صاعقه» از همشون بهتر بود! توی پوستر ها هم «یا صاحب الزمان» که امام در یک گندم زار زیر بارون هستن.

فکر می کنید بیکاری خیلی ها به خاطر نبود فرهنگ کار هست یا نبود شغل؟

نمیدونم باید از خودشون پرسید... ولی امروز فکر نکنم بحث جامعه ما سر فرهنگ کار باشه که بگیریم ای جوان برو کار می کن مگو چیست کار!

بلکه الان مشکل سر نوع کاره... وقتی همه جویون ها شدن دکتر مهندس، دیگه معلومه در شأن خودش نبینه بره هر کاری بکنه... نباید به اون جوان خرده گرفت... باید به اون اعتراض کرد که با تک ماده و پیام نور و فلان و بهمان، این همه مدرک داده دست مردم و توقعات رو افزایش داده. مثلا خود من چرا باید عمران بخونم وقتی ترس از ارتفاع دارم؟! حالا مثلا اگه میشدم مهندس مملکت، سر نظارت کدوم برج و ساختمونی میتونستم برم؟ باید می نشستم در دفترم و ندیده امضا میدادم... که بعضیا هم هستن اینجور.

وقتی میخوان به کسی که نمیشناسنش، کاری بسپارن و براشون مهمه که اون شخص بتونه کار رو با کیفیت به انجام برسونه، باید یه چیزی باشه که بهشون اطمینان بده... توی دنیا از فرد، نمونه کارهای قبلیشو میخوان (یا همون رزومه) که اینجوری کیفیت کاملاً قابل تشخیصه ولی در کشور ما، مدرک مهمتره

اونی که مدرک ریخته تو جامعه مقصره ولی آیا اونهایی که بدون فکر دنبال مدرک هستن حتی خارج از توانایشون مقصر نیستن ؟ مثلا خودتون نمی تونستید رشته ای که به تواناییها و علاقتون می خورد انتخاب کنید؟

خواستن همیشه توانستن نیست... اگر قبلاً اعتماد به نفس الان رو داشتم، اصلاً نمیداشتم مجبورم کنن که برم ریاضی فیزیک!

و خیلی ها رو می بینم که هنوزم اعتماد به نفس ندارن یا حتی بدتر از اون نمیدونن برای چی اصلاً زنده هستن! فقط همرنگ جماعت میشن و میرن جلو..

با وجود اینکه عمران خوندین وارد دنیای هنر شدید .. نمیخواهین یکی از این هنرها رو به صورت دانشگاهی ادامه بدید؟

پیگیر مباحث دانشگاهیش هستم... چیز خاصی نداره بجز مدرک... زحمت سفر های هفتگی برای کسب مدرک هم نمی صرفه متأسفانه

ظاهراً مدرک خیلی مهمه چون با وجود داشتن علم اگر مدرکشو نداشته باشیم و حرف بزنیم میگن بیسوادی و خیلی توجه نمی کنن ... این مسئله خیلی وقتها مشکل ساز بوده برای افراد مختلف که حالا اسم نمی برم .. آیا داشتن مدرک یک ملاک واقعیه هست یا یکی از ملاک های واقعی ؟

وقتی میخوان به کسی که نمیشناسنش، کاری بسپارن و براشون مهمه که اون شخص بتونه کار رو با کیفیت به انجام برسونه، باید یه چیزی باشه که بهشون اطمینان بده... توی دنیا از فرد، نمونه کارهای قبلیشو میخوان (یا همون رزومه) که اینجوری کیفیت کاملاً قابل تشخیصه ولی در کشور ما مدرک مهمتره... اکثراً بین کسی که با کیفیت کار میکنه و مدرک نداره، و کسی که بی کیفیت کار میکنه و مدرک داره، به مدرکدار کار میدن! حتی اگه کار خراب بشه فقط در جمهوری اسلامی چنین ظلمی اتفاق می افته و هیچ جای تاریخ ایران هم اینجوری نبوده، چه برسه به جهان.

کاش حداقل کسی که مدرک بالاتری داره دانش بالاتری هم میداشت... به نظر من کیفیت دانشگاه های ما در هنر (البته بجز معماری) پایین تر از دانش سیال اینترنتی و پشت وپزیرنی هست!

بله متأسفانه .. این واقعا ظلم بزرگیه .. حتی مدرک بدون داشتن مهارت هم علم کافی هم باعث تاثیر در حقوق ها میشه .. ولی واقعا این اتفاق فقط در جمهوری اسلامی می افته ؟

شاید جاهای دیگه هم «اتفاق» بیافته ولی من خبر ندارم... اما برای کشور پر مدعی ما، این دیگه نه تنها اتفاق نیست و یک روال شده، بلکه روال ظالمانه ای هم هست... مخصوصاً وقتی شرایط و دسترسی برای گرفتن مدرک برای همه مردم یکسان نیست.

کار کم کردن از کار نکردن بهتره

درسته ... ان شاء الله که شایسته سالاری به معنای واقعی رایج بشه و علم آموزی هم معنای حقیقی خودش رو پیدا کنه و از سطح پایین مدرک گرایي فراتر بره ... و اما حرف آخر ؟

حرفی نیست... ممنون از اینکه منو برای مصاحبه انتخاب کردین... امیدوارم کاربران خسته نشده باشن از این همه حرف... و امیدوارم کوچکترین کاری که از دستمون بر میاد برای یاری امام زمانمون و مقدمه سازی برای ظهورشون انجام بدیم، که کار کم کردن از کار نکردن بهتره.

ان شاء الله .. از وقتی که در اختیارتون گذاشتید خیلی سیاسگزارم و امیدوارم هر کارتتون بهتر و زیباتر از قبل باشه و مقبول درگاه الهی قرار بگیره

روز مهندس



ابوجعفر محمدبن محمد معروف به خواجه نصیرالدین در سال ۵۹۷ ق در طوس به دنیا آمد. ابتدا علوم عقلی و نقلی و حکمت مشاء و سپس ریاضیات، فقه، فلسفه، نجوم و ادبیات را آموخت و در علوم روز به استادی تمام رسید.

وی چند سال پس از حمله سپاه چنگیزخان مغول، به قلعه اسماعیلیه پناه برد و در آنجا نیز از تالیف و نگارش باز نایستاد. با غلبه سپاه مغول بر اسماعیلیان، وی به خدمت هولاکوخان فرمانروای وقت مغول پیوست و با استفاده از نفوذ خود، از کشتار مردم و دانشمندان و تخریب آثار فرهنگی و علمی و غارت شهرها و روستاها جلوگیری نمود. پس از فتح بغداد و سقوط عباسیان، خواجه نصیر ماموریت یافت تا رصدخانه مراغه را ترتیب دهد. او جماعتی از ریاضی دانان بزرگ را گردآورد و کار احداث رصدخانه را در سال ۶۵۷ ق آغاز کرد. خواجه، با این کار، عالمان بزرگ زمان را که پراکنده بودند در یک مکان، جمع کرد و همچنین کتابخانه‌ای عظیم در محل رصدخانه مراغه احداث نمود. وی برای تهیه کتاب‌های مورد نظر، کتبی از بغداد، شام و شمال آفریقا و اطراف و اکناف ایران فراهم نمود و کتابخانه‌ای با بیش از ۴۰۰ هزار جلد کتاب، ایجاد کرد. عمر خواجه از این پس در خدمات علمی گذشت.

وی یکی از بزرگ‌ترین بنیانگذاران کلام شیعه بود و ضمن تأیید حکمت ابن‌سینا، به شرح مشکلات اشارات پرداخت. وی همچنین آثار متعددی را در علوم مختلف به نگارش درآورد که اخلاق ناصری، تجرید العقاید، زیج ایلخانی، اوصاف الاشراف، اساس الاقتباس و تذکره نصیری و بیش از ۶۰ اثر دیگر در اصول دین، منطق، هندسه، هیئت، نجوم، عروض و شعر از آن جمله‌اند. خواجه نصیرالدین در سال ۶۷۲ در ۷۵ سالگی درگذشت و در کاظمین به خاک سپرده شد. به همین مناسبت روز ۵ اسفند را روز مهندس و روز بزرگداشت این دانشمند بزرگ نامیده اند

کودکان قرن جدید



خوشا به حال کودکان عصر دوری‌ها!

فامیل هم که نباشد جعبه جادو پر است از خاله‌ها و عموهای شاد ...

با رب و پاپ آموزش آشپزی می‌دهند، در مذمت دروغگویی سخن می‌رانند و کلی چیزهای خوب خوب دیگر.

کودکان هم آینه‌ای می‌شوند برای آن چیزی که دیده‌اند و شنیده‌اند، خرگوش‌های آوازخوان!

نمی‌دانم دلم برای خودم بسوزد یا این کودکان پر پر جنب و جوش و سرمست مست مست.

داستان کدو قلقله‌زن ، حسنی میای بریم حموم ، داستان‌های شاهنامه ، داستان‌های ... چقدر قدیمی هستیم که جز این‌ها

نمی‌شناسم، که «بن تن» را نمی‌شناسم، «دیجی‌مون» را، هیجان را، بی‌معنایی را!!!

چه کنم که «سهراب» و «آرش» تنها نام دو دوست با اسباب‌بازی‌های جدید و گرانتقیمت نباشند؟

چه کنم که ضرب آهنگ مداوم این نواهای دگردیسی یافته را به آرامش داشتن یک توپ قلقلی بدل کنم؟

چه کنم که صبر را به کودکان بیاموزم؟ دل سپردن به آوای روح انگیز آب را، لذت بردن از دیدن پرندگان را، تحمل را،

ساده زیستی را و هر چه را که باید بدانند؟

بداند که باید خودش باشد نه هیولای آبی‌رنگ داخل ساعت مچی، بداند که قدرت ایمان بالاتر از قدرت تفنگ لیزری

کارتون‌های اوست، بداند آن که روز و شب در تلویزیون می‌بیند تنها کسی نیست که باید خوب بشناسد، بداند هیچ هیولایی

در تاریکی اتاقش نیست که عروسک بغل کرده‌اش بخوابد با آن مبارزه کند.

آه از این نسل ترس، ضعف، هیجان مطلق و بی‌معنایی‌های سرگرم‌کننده

آه و بازهم آه ...

نویسنده: ostadnovin

متخلص به مسان

منبع: 521568

دلوشته

اللَّهُمَّ عَرِّفِي نَفْسَكَ

ای دنیای فانی، در چشم دوست دارانت انقدر بزرگ شده ای که هر چه بیمشان دهیم باز به تاج بالای سر تو چشم دوخته اند! و گاه انکار فریادمان را فقط او می شنود...

وقتی سراسر دنیا برایم تنگ می شود و کلیدی جز نیاز به ظهور تو قلبم را فتح نمی کند، لب به دریای بی کران معرفت تو می زنم آهسته زمزمه می کنم "اللَّهُمَّ عَرِّفِي نَفْسَكَ فَإِنَّكَ إِنَّمَا عَرَّفْتَنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ رَسُولَكَ..." و چه رزقیست میان دریای مواج این دعا؟!

انکار تمام هیبت استکبارهای درون و بروم را می شکنند. وقتی کلماتش را می شنوم، گویی در خود می شکنم و انکار فریاد می زنم "این انا فی العالم؟ بینما انا اشتعل فی النار من الفراق!" و مجرای نفسم از بغض می گیرد و دوباره هزینه ی "لیت شعری این استقرت بك النوا" ی من، اشکهای من است...

این چه دعاییست که سکون قلبم را بهم می زند و مثل رودی خروشان بر سنگها می خروشد؟ با زبان دعا می گویم "اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تُرِيَنِي وَلِيَّ أَمْرِكَ ظَاهِرًا فَإِنَّ الْأَمْرَ مَعَ عِلْمِي بِأَنَّ لَكَ السُّلْطَانَ وَالْقُدْرَةَ... حَتَّى تَنْظُرَ إِلَيَّ وَلِيَّ أَمْرِكَ" اینجاست که می لرزم از هیبت خواسته ام! منی که یوسفم را به چاه غیبت افکنده ام، از معشوق یوسف چه می خواهم؟

التماس می کنم که آفتاب جمال عشق را بنمایاند؟ که باز در زندان جهالتمان زندانی اش کنیم؟ و یا بند اسارت بر سر و دستش ببندیم؟ و یا زهرهای جفا بر وی بنوشانیم؟ چه می گویم درحالیکه از شرم گناهانم، در نظرش ذوب خواهم شد!

سرم از تضادهایمان گیج می رود! در تاریکی جهالت و گناه زندانی هستیم و عدالت آفتاب می خواهیم! دم از عدالت می زنند و در خانه ای گرم، صفهای سرد توزیع عدالت را فراموش می کنند! برای ظلمت این دنیا گریستم؛ برای لبهای تشنه ی کودکان، برای استخوانهایی که با نهایت بی رحمی می شکنند، برای دردهایی که اگر بدانیم طاقت نمی آوریمشان و برای زخمهایی که مرحمی جز تو ندارد. چقدر دیدن اینها سخت است، نه مولایم؟ از کوه و خانه و خرابه ها صبور می گذری و می بینی چگونگی حال همه را، به نقطه ای می رسم که نمی دانم من منتظرم یا تو منتظری مضطرب؟!

وقتی برای تو دعا می کنم سراسر وجود تو می شوی و من همان حباب روی اقیانوس محبتت، سرگردان و حیران از این مردمان، از این تاریخ، می چرخم و می چرخم. صبوری کن ای حباب حتی میان سنگلاخ حوادث، صبوری کن...

آری من بهانه ام! زندگی بهانه است، این جنگهای بی سر و تن، هسته ای ها و جنگهایی فراتر از افق مادی همه بهانه است، بهانه ای برای آمدن توست ولی نمی دانم چرا سیرش را دیر می فهمیم!! حتی اگر راز را بفهمیم به خاطر خودخواهی مان نه می خواهیم اعتراف کنیم و نه دست به جبران می زنیم!! این می شود که در برزخ غلظه ها می میریم، شاید همین دولت مردان کشورم که نخ تسبیح ثروت را در رابطه با شیطان بزرگ می ببندند.

از شکایت خود خسته می شوم وقتی همه در ردیف متهمان درجه اول هستیم، پس چگونه بگویم

"اللَّهُمَّ إِنَّا شَكُو إِلَيْكَ فَقَدْ بَيَّنَّا وَغَيَّبْنَا إِمَامَنَا شِدَّةَ الزَّمَانِ عَلَيْنَا وَوُفُوعَ الْفِتَنِ بِنَا...؟"

همکاران این شماره:

Afsarejavan

Azadandish

Baran

Basar

Hamideh bv

Hasanak

Mabadi

Mahdiyar85

Masoudzeinali

Matinemami

Miladps3

Montazere0313

Partizan

Radiomoghat

Sepehra

Setia

Zelzal110

نویسنده افتخاری این شماره

Ostadnovin

www.AFSARAN.ir